



The Mediating Roles of Self-Coherence and Cognitive Flexibility in the Relationship Between Marital Dissatisfaction and Attitudes Toward Divorce Among Women Seeking Divorce

Ebrahim Namani^{1*} , Maryam Abbasi² , Zahra Ghasemian³ , Melika Ghorbani³ 

1. Corresponding author, Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: a.namami@hsu.ac.ir
2. Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: maryamabbasi24380@gmail.com
3. Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: zahraghasemian900@gmail.com
4. Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: mlyka57@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: 19 Jul 2025

Revised: 19 Oct 2025

Accepted: 04 Nov 2025

First Published: 16 Sep 2026

Keywords:

*Attitude Towards Divorce,
Cognitive Flexibility,
Marital Dissatisfaction,
Self-Coherence,
Women Seeking Divorce*

ABSTRACT

The present study aimed to examine the mediating roles of self-coherence and cognitive flexibility in the relationship between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce among women seeking divorce. The study employed a descriptive correlational design. The statistical population consisted of all women seeking divorce who referred to counseling clinics in Sabzevar during the winter of 2024, from whom 205 women were selected as the study sample using convenience sampling. The variables were assessed using the Divorce Attitude Scale (DAS), Cognitive Flexibility Inventory (CFI), Sense of Coherence Questionnaire (SOC), and Marital Burnout Questionnaire (MBQ). Descriptive and correlational analyses were conducted using SPSS version 22, and structural equation modeling was performed using AMOS version 22. The results of the correlation analysis indicated that marital dissatisfaction was positively and significantly associated with attitudes toward divorce among women seeking divorce ($p < .05$). The results of the structural equation modeling showed that marital dissatisfaction had a significant indirect effect on attitudes toward divorce through self-coherence ($p < .05$); however, its indirect effect on attitudes toward divorce through cognitive flexibility was not significant ($p > .05$). Overall, the model, including marital dissatisfaction, self-coherence, and cognitive flexibility, explained 68% of the variance in attitudes toward divorce. Based on these findings, self-coherence plays a mediating role in the relationship between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce, whereas no evidence was found for a mediating role of cognitive flexibility in this relationship.

Cite this article: Nameni, E., Abbasi, M., Ghasemian, Z., & Ghorbani, M. (2026). The Mediating Roles of Self-Coherence and Cognitive Flexibility in the Relationship Between Marital Dissatisfaction and Attitudes Toward Divorce Among Women Seeking Divorce. *Journal of Applied Psychological Research*, (In Press/ Accepted). <https://doi.org/10.22059/japr.2026.398570.645301>



Publisher: University of Tehran Press
DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2026.398570.645301>

© The Author(s).



نقش میانجی‌گرانه انسجام خود و انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه بین دزدگی زناشویی و نگرش به طلاق در زنان متقاضی طلاق

ابراهیم نامنی^{۱*}، مریم عباسی^۲، زهرا قاسمیان^۳، ملیکا قربانی^۴

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: a.namami@hsu.ac.ir

۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: maryamabbasi24380@gmail.com

۳. گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: zahraghasemian900@gmail.com

۴. گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: mlyka57@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۶/۲۸

کلیدواژه‌ها:

انسجام خود، انعطاف‌پذیری شناختی، دزدگی زناشویی، زنان متقاضی طلاق، نگرش به طلاق.

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی‌گرانه انسجام خود و انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه بین دزدگی زناشویی و نگرش به طلاق در زنان متقاضی طلاق انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره شهرستان سبزوار در زمستان ۱۴۰۳ بود که ۲۰۵ نفر از زنان متقاضی طلاق به عنوان نمونه پژوهش به صورت در دسترس انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیرها از پرسشنامه‌های نگرش به طلاق (DAS)، مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی (CFI)، پرسشنامه انسجام روانی (SOC) و مقیاس دزدگی زناشویی (MBQ) بهره گرفته شد. برای تحلیل داده‌های توصیفی و همبستگی آن، نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و برای معادلات ساختاری، نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۲ استفاده شد. نتایج آزمون همبستگی حاکی از آن بود که دزدگی زناشویی رابطه مثبت و مستقیم با نگرش به طلاق زنان متقاضی طلاق دارد ($p\text{-value} < 0.05$). نتایج تحلیل مدل معادلات ساختاری نشان داد که دزدگی زناشویی از طریق انسجام خود، اثر غیرمستقیم و معناداری بر نگرش به طلاق دارد ($p\text{-value} < 0.05$ ؛ ولیکن اثر غیرمستقیم دزدگی زناشویی بر نگرش به طلاق از طریق انعطاف‌پذیری شناختی معنادار نبود ($p\text{-value} > 0.05$). در مجموع می‌توان گفت، مدل یا متغیرهای پژوهش (دزدگی زناشویی، انسجام خود و انعطاف‌پذیری شناختی) در مجموع توانسته‌اند ۰/۶۸ از تغییرات نگرش به طلاق را تبیین کنند. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که انسجام خود در رابطه بین دزدگی زناشویی و نگرش به طلاق نقش میانجی‌گرانه دارد، در حالی که شواهدی برای نقش میانجی‌گرانه انعطاف‌پذیری شناختی در این رابطه به دست نیامد.

استناد: نامنی، ا.، عباسی، م.، قاسمیان، ز.، و قربانی، م. (۱۴۰۵). نقش میانجی‌گرانه انسجام خود و انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه بین دزدگی زناشویی و نگرش به طلاق در زنان متقاضی طلاق. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، (پذیرش شده / آماده انتشار)، ۲-۱. <https://doi.org/10.22059/japr.2026.398570.645301>

ناشر: انتشارات دانشگاه

© نویسندگان.

تهران



DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2026.398570.645301>

۱. مقدمه

نهادهای ازدواج و خانواده اغلب به‌عنوان بنیان‌هایی تلقی می‌شوند که جامعه بر آن‌ها استوار است. این نهادها نقش مهمی در شکل‌گیری هویت افراد، ارتقاء سازمان اجتماعی و تداوم نسلی ایفا می‌کنند. همچنین، ازدواج و خانواده ساختاری برای روابط شخصی فراهم می‌آورند، نقش‌های اجتماعی را تنظیم می‌کنند و انتظاراتی در زمینه مسئولیت‌های عاطفی، مالی و مراقبتی ایجاد می‌نمایند (جباری^۱، ۲۰۲۴؛ به نقل از [دزاندو و همکاران^۲، ۲۰۲۵](#)). به‌طور سنتی، ازدواج به‌ویژه در میان نسل‌های قدیمی‌تر، به‌عنوان تعهدی مادام‌العمر در نظر گرفته می‌شد. با این حال، در سال‌های اخیر، تحولات اجتماعی از جمله افزایش فردگرایی، تغییر در نقش‌های جنسیتی، و تحول در ماهیت روابط فردی، سبب بازنگری در جایگاه ازدواج در جوامع مدرن شده‌اند ([فروستنبرگ^۳، ۲۰۱۹](#)). با تداوم این تحولات، ساختار خانواده بیش‌ازپیش سیال شده و شمار زیادی از افراد طلاق را تجربه می‌کنند ([براون و همکاران^۴، ۲۰۲۳](#)). با توجه به روندهای اجتماعی اخیر، افزایش نرخ طلاق در جامعه‌ی ایران نیز مشهود بوده است. مطابق داده‌های سازمان ثبت احوال، نسبت طلاق به ازدواج که در سال ۱۳۸۶ برابر با ۱۲ درصد بوده، تا سال ۱۳۹۶ به حدود ۲۹ درصد افزایش یافته است ([روشنی و همکاران^۵، ۱۳۹۸](#)). طلاق که به‌عنوان پایان قانونی پیوند زناشویی شناخته می‌شود، یکی از مراحل حساس و پرفشار زندگی به‌شمار می‌آید و می‌تواند پیامدهای قابل‌توجهی بر سلامت جسمی و روانی افراد بر جای بگذارد ([پلّون-الکسپورو و همکاران^۶، ۲۰۲۴](#)).

نتایج مطالعه [لی و همکاران^۷، ۲۰۲۴](#) نشان می‌دهد، عوامل متعددی همچون الگوهای رفتاری ناسازگار و نگرش‌های فردی نسبت به زندگی، نقش مهمی در حفظ یا گسست روابط زناشویی ایفا می‌کنند؛ در همین راستا، [آنک و هافمن^۸، ۲۰۲۳](#) نیز تأکید کرده‌اند افرادی که دارای ویژگی‌های روان‌رنجوری هستند، به‌ویژه کسانی که نگرشی منفی و بدبینانه نسبت به امور دارند و سطح بالایی از اضطراب را تجربه می‌کنند، در مقایسه با افراد دارای سلامت روانی بیشتر، با احتمال بالاتری در معرض طلاق قرار می‌گیرند. از این رو، می‌توان چنین استنباط کرد که نگرش‌های فردی یکی از مؤلفه‌های کلیدی در افزایش یا کاهش تمایل به طلاق به‌شمار می‌رود. در همین راستا، [انکوروئزیزا و همکاران^۹، ۲۰۲۵](#) در پژوهش خود بیان کردند، برنامه‌های آموزشی مبتنی بر مهارت‌ها و نگرش‌های هدفمند می‌توانند کیفیت زندگی زناشویی در زوجها را به‌طور مؤثری بهبود ببخشند. به عبارت دیگر، آموزش مهارت‌ها و نگرش‌های مثبت در روابط می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت و ثبات زندگی زناشویی داشته باشد. [بگی و حسینی^{۱۰}، ۱۴۰۰](#) معتقدند که با تداوم فرایند جایگزینی نسل‌ها و همچنین با توجه به شتاب روزافزون در عواملی همچون گسترش شهرنشینی، جهانی‌شدن فرهنگ، توسعه آموزش، پیشرفت فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، و فراگیری رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، می‌توان انتظار داشت که نگرش مثبت به طلاق در میان جوانان همچنان در مسیر افزایشی باقی بماند. نگرش به طلاق بازتابی از ارزش‌های فردی و فرهنگی است که در آن افراد با تأکید بر خودمختاری، لذت‌گرایی و خودهدایتی، طلاق را به‌عنوان راه‌حل منطقی در مواجهه با نارضایتی زناشویی قلمداد می‌کنند ([منتسر و ساگیو^{۱۱}، ۲۰۲۵](#)). یکی از متغیرهایی که می‌تواند نگرش مثبت به طلاق را در افراد تقویت کرده و آنان را به سمت جدایی سوق دهد، پدیده دلزدگی زناشویی است. زیرا طلاق معمولاً پیامد مستقیم ناپایداری و اختلال در روابط زوجین است ([زینگ و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۹](#)) و بازتابی از کاهش علاقه، تمایل و پیوند عاطفی میان آنان به‌شمار می‌آید ([اورسپرگ و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۹](#)). در واقع، طلاق یا حتی تمایل به آن را می‌توان از معتبرترین شاخص‌های وجود تعارض زناشویی و دلزدگی در رابطه دانست ([راستی و همکاران^{۱۴}، ۲۰۲۴](#)). در همین راستا، [ویگل و شورت^{۱۵}، ۲۰۲۱](#) دلزدگی

1. Jabbari, B
2. Dzando et al.
3. Furstenberg
4. Brown et al.
5. Pellón-Elexpuru et al.
6. Le et al.
7. Uunk & Hoffmann
8. Nkurunziza et al.
9. Mentser & Sagiv
10. Zheng et al.
11. Auersperg et al.
12. Rasti et al.
13. Weigel & Shrout

را حالتی آمیخته از احساس ناامیدی، اندوه، پشیمانی و شکست توصیف کرده‌اند که می‌تواند به پیش‌بینی پایان رابطه منجر شود. به همین ترتیب، کوچیگیت و اوزون^۱ (۲۰۲۴) دزدگی زناشویی را وضعیتی توصیف می‌کنند که با فرسودگی جسمانی، روانی و عاطفی ناشی از تضادهای مداوم بین انتظارات و واقعیت‌های زندگی مشترک همراه است؛ شرایطی که اغلب با کاهش صمیمیت و افزایش احتمال جدایی در میان زوجین همراه می‌شود.

با توجه به تأثیر دزدگی زناشویی بر نگرش به طلاق، محقق به دنبال عاملی است که بتواند روابط بین عوامل مذکور را میانجی‌گری کند؛ از آنجایی که انعطاف‌پذیری به افراد اجازه می‌دهد تا نسبت به عوامل استرس‌زا یا رویدادهای زندگی سازگارتر واکنش نشان دهند (دهقانی و بهاری، ۱۴۰۰) و در نتیجه گرفتار نارضایتی و یا دزدگی نشوند (رام و همکاران^۲، ۲۰۲۲) و نیز از آنجایی که انعطاف‌پذیری یکی از این منابع بسیار قدرتمند در زندگی زناشویی است که وجود آن می‌تواند در بهبود رابطه بسیار مفید باشد (شهابی و همکاران، ۲۰۲۰) و با بالا بردن سطح تاب‌آوری (فرهادیان‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۴)، مانع از گرایش زوجین به طلاق گردد، از این مؤلفه به عنوان میانجی استفاده گردید. در همین راستا، خزائی و بابائی (۲۰۲۲) در پژوهشی نشان دادند یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده گرایش زنان به طلاق، سطح انعطاف‌پذیری شناختی پایین آنان است. انعطاف‌پذیری شناختی یک مفهوم چندوجهی است که شامل توانایی تغییر بین مجموعه‌های شناختی یا استراتژی‌ها در پاسخ به خواسته‌های متغیر محیطی می‌شود که این توانایی به افراد کمک می‌کند تا رفتارها و تفکرات خود را به‌طور انعطاف‌پذیر و مؤثر تنظیم کنند (هاهل و دالکاس^۳، ۲۰۲۴). به عبارت دیگر می‌توان گفت، انعطاف‌پذیری شناختی، شامل مهارت‌هایی مانند تغییر توجه، به‌روزرسانی استراتژی‌ها، پاسخ به بازخورد و تغییر وظایف است و به‌عنوان یک مؤلفه اصلی عملکرد اجرایی مغز شناخته می‌شود (تانگ و همکاران^۴، ۲۰۲۴) و پیش‌بینی‌کننده شایستگی اجتماعی است و نقش اساسی در حل مسئله و تنظیم هیجانات دارد (اودین^۵، ۲۰۲۱).

گذشته از مؤلفه‌ی انعطاف‌پذیری شناختی که در این پژوهش به‌عنوان نقش میانجی مورد بررسی قرار گرفته است، به نظر می‌رسد سازه‌ی «انسجام خود» نیز می‌تواند در پیوند میان دزدگی زناشویی و نگرش به طلاق، نقش واسطه‌ای ایفا کند؛ چرا که از دیدگاه آنتونوسکی (۱۹۹۶) بنیان‌گذار نظریه انسجام، افرادی که از سطح بالاتری از انسجام برخوردارند، در مواجهه با تنش‌ها از ظرفیت بالاتری در سازگاری و انعطاف‌پذیری شناختی برخوردار هستند. در همین راستا، یافته‌های خانی و آقایی (۲۰۲۲) نیز نشان می‌دهد که تقویت انسجام خود در افراد می‌تواند به ارتقای راهبردهای مرتبط با رضایت زناشویی منجر شده و در نهایت سطح رضایت از زندگی را افزایش دهد. بنابراین، می‌توان چنین برداشت کرد که انسجام خود نقشی پیشگیرانه در کاهش دزدگی زناشویی و پیامدهای منفی آن از جمله طلاق ایفا می‌کند. مفهوم انسجام خود به توانایی فرد در آگاهی مستمر نسبت به حالات درونی، تمایزگذاری و تحلیل دقیق تجربه‌های روان‌شناختی در لحظه و پردازش فعال و هدفمند اطلاعات مرتبط با خود - چه در زمان حال و چه با ارجاع به گذشته - اطلاق می‌شود؛ قابلیت‌هایی که زمینه‌ساز جهت‌دهی مؤثر رفتار فرد است (کمپبل^۶، ۲۰۲۱). براساس دیدگاه براون-لوونسون و همکاران^۷ (۲۰۱۷) این سازه دارای سه مؤلفه اصلی است: نخست، «ادراک‌پذیری» یعنی باور فرد به اینکه بحران‌ها ساختارمند و قابل شناسایی‌اند؛ دوم، «کنترل‌پذیری» به معنای احساس توانمندی برای مقابله با فشارها؛ و در نهایت «معناداری» که اشاره دارد به درک ارزشی و هدفمند از موقعیت‌های چالش‌برانگیز زندگی.

با توجه به روند فزاینده دزدگی زناشویی و افزایش موارد طلاق توافقی در جامعه کنونی، و با در نظر گرفتن آثار گسترده و اغلب زیان‌بار این پدیده بر سلامت مادی و معنوی خانواده و جامعه، انجام پژوهش‌هایی در راستای شناسایی عوامل مرتبط با نگرش به طلاق، ضروری به نظر می‌رسد. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین دزدگی زناشویی و نگرش به طلاق در زنان متقاضی طلاق و تبیین نقش میانجی‌گرانه انسجام خود و انعطاف‌پذیری شناختی در این رابطه انجام شده است. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی این پرسش می‌پردازد که آیا انسجام خود و انعطاف‌پذیری شناختی می‌توانند رابطه بین دزدگی زناشویی

1. Kocyigit & Uzun

2. Ram et al.

3. Hohl & Dolcos

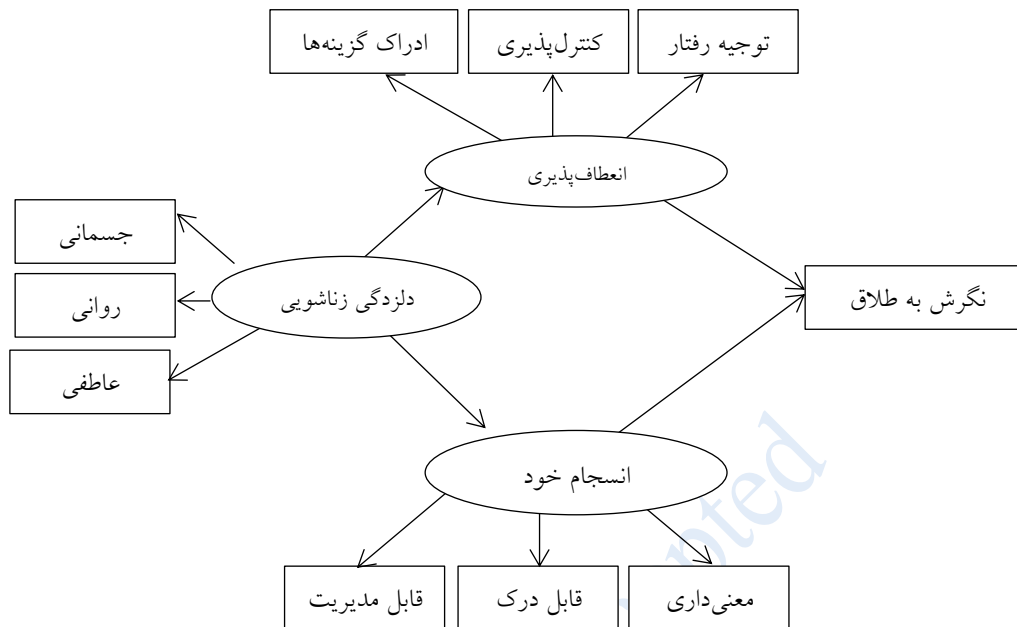
4. Tong et al.

5. Uddin

6. Campbell

7. Braun-Lewensohn et al.

و نگرش به طلاق را به صورت معناداری میانجی گری کنند؟ بر اساس مبانی نظری مطرح شده، مدل پژوهش به شرح زیر رسم می گردد:



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

۲. روش

۲-۱. جامعه، نمونه و روش اجرا

این پژوهش از نظر هدف، در دسته تحقیقات بنیادی قرار می گیرد و از حیث روش اجرا، توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به کلینیک های مشاوره شهرستان سبزوار در زمستان سال ۱۴۰۳ بود. بر اساس اصول تعیین حجم نمونه در مدل یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی، تعداد شرکت کنندگان باید متناسب با تعداد متغیرهای پنهان تعیین شود؛ به گونه ای که برای هر سازه نهفته، حداقل ۲۰ آزمودنی توصیه شده و در مجموع، حداقل ۲۰۰ نفر برای اجرای تحلیل مناسب است (حیبی و عدنور، ۱۳۹۶). با توجه به اینکه مدل پژوهش حاضر شامل چهار متغیر اصلی است، حداقل ۸۰ آزمودنی لازم بود؛ با این حال، با در نظر گرفتن توصیه متخصصان در زمینه مدل سازی ساختاری، حجم نمونه به ۲۰۵ نفر افزایش یافت. نمونه گیری به روش در دسترس انجام شد و پژوهشگر شرکت کنندگان را از میان زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان سبزوار که تمایل به مشارکت در پژوهش داشتند، انتخاب کرد. در خصوص ملاک های ورود و خروج نمونه پژوهش باید عنوان نمود: ملاک های ورود شامل داشتن سن بالای ۱۸ سال، توانایی درک و پاسخ دهی به پرسشنامه ها، و آگاهی از اهداف پژوهش و رضایت نامه اخلاقی بود. در مقابل، زنانی که پرسشنامه ها را به طور ناقص یا غیردقیق پر کرده اند، تمایل به ادامه همکاری نداشتند، یا پاسخ های غیرمعتبر ارائه دادند، از پژوهش خارج شدند. همچنین، زنانی که در سایر پژوهش های مشابه در همان بازه زمانی شرکت کرده بودند نیز از نمونه حذف شدند.

داده های پژوهش به دو روش کتابخانه ای و میدانی جمع آوری شد. در روش کتابخانه ای، از مقالات علمی-پژوهشی نمایه شده در پایگاه های بین المللی مانند گوگل اسکالر و همچنین نمایه های داخلی از جمله نورمگز، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) و سایر منابع معتبر استفاده گردید. در روش میدانی، محقق برای گردآوری داده ها به صورت حضوری به مراکز مشاوره شهرستان سبزوار مراجعه نمود و پرسشنامه ها را به زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند و واجد

ملاک‌های ورود به پژوهش بودند، توزیع نمود. در ابتدای پرسشنامه، اصول اخلاقی پژوهش درج گردید و طی آن مواردی مانند شرکت داوطلبانه و آزادانه‌ی آزمودنی‌ها و محرمانه‌ماندن پاسخ‌ها به‌طور کامل توضیح داده شد.

۲-۲-۱. ابزار پژوهش

۲-۲-۱. مقیاس نگرش به طلاق^۱ (ADS)

این مقیاس توسط کینایرد و جرارد^۲ (۱۹۸۶) ساخته شده است. این مقیاس ۱۲ ماده دارد که نگرش‌های مثبت و منفی به طلاق را ارزیابی می‌کند. تمرکز این پرسشنامه بر روی شادکامی همراه ازدواج، وفاداری و اهمیت ازدواج تا هنگام مرگ است. سؤالات این مقیاس به صورت طیف لیکرتی به ترتیب از ۱ (شدیداً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود و در ضمن برخی از ماده‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. امتیازات بالاتر نشان‌دهنده نگرش مثبت‌تر به طلاق است. در مطالعه‌ای در اسپانیا، پرسشنامه نگرش به طلاق کینایرد و جرارد (۱۹۸۶) در یک گروه ۹۶۴ نفر جوان بین ۱۸ تا ۳۰ سال انجام شد و ویژگی‌های روانسنجی این مقیاس بررسی گردید. اعتبار پایایی و تغییرناپذیری اندازه‌گیری در سراسر مردان و زنان مورد بررسی قرار گرفت. این ساختار ۲ عامل مناسب به اندازه کافی در مردان و زنان بود. همسانی درونی پرسشنامه خوب (آلفای کرونباخ = ۰/۷۴) بوده و روایی همگرایی خود را با یک همبستگی مثبت با نگرش نسبت به ازدواج^۳ و تفاوت‌های جنسی در نگرش به طلاق^۴ حمایت نمود (گارمندیا و یابن^۵، ۲۰۱۴). به طور کلی نتایج نشان داد که این نسخه یک ابزار قابل اعتماد و معتبر است که می‌تواند برای اندازه‌گیری نگرش اسپانیایی بزرگسالان جوان نسبت به طلاق مورد استفاده قرار گیرد. مؤذن و صدیقی فرد (۱۴۰۳) روایی این ابزار را با استفاده از روایی محتوا به روش کیفی تأیید نمودند و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ را بالاتر از ۰/۷۰ اندازه‌گیری نمودند. ضریب پایایی پرسشنامه نگرش به طلاق در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ محاسبه گردید.

۲-۲-۲. پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی^۶ (CFI)

این پرسشنامه توسط دنيس و وندروال^۷ (۲۰۱۰) معرفی شده و یک ابزار خود گزارشی کوتاه ۲۰ سوالی است که برای سنجش نوعی از انعطاف‌پذیری شناختی که در موفقیت فرد برای چالش و جایگزینی افکار ناکارآمد با افکار کارآمدتر لازم است، به کار می‌رود که بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در کار بالینی و غیر بالینی و برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در ایجاد تفکر انعطاف‌پذیر در درمان شناختی رفتاری افسردگی و سایر بیماری‌های روانی به کار می‌رود. این پرسشنامه، سه خرده‌مقیاس ادراک گزینه‌های مختلف^۸ با سؤالات ۳، ۵، ۶، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰؛ ادراک کنترل‌پذیری^۹ با سؤالات ۱، ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۱، ۱۵ و ۱۷؛ ادراک توجیه رفتار^{۱۰} با سؤالات ۸ و ۱۰ را اندازه‌گیری می‌کند (مکوندی و همکاران، ۱۴۰۳). اعتبار همزمان این پرسشنامه برابر با ۰/۳۹- و روایی همگرایی آن با مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی مارتین و رابین ۰/۷۵ بود (دنيس و وندروال، ۲۰۱۰). در ایران شاره و همکاران (۲۰۱۴) ضریب بازآزمایی کل مقیاس را ۰/۷۱ و خرده‌مقیاس‌های ادراک کنترل‌پذیری، ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار را به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۷۲ و ۰/۵۷ گزارش کرده‌اند. این پژوهشگران ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس را ۰/۹۰ و برای خرده‌مقیاس‌های ادراک کنترل‌پذیری، ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۵۵ گزارش کردند. در ایران، شاره و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی روایی

1. attitudes toward divorce scale

2. Kinnaird & Gerrard

3. attitude towards marriage

4. examination of gender differences in attitude towards divorce

5. Garmendia & Yaben

6. cognitive flexibility inventory

7. Dennis & Vander Wal

8. perception of different options

9. perceived controllability

10. perceived justification for behavior

سازه این پرسشنامه بر روی ۲۷۷ تن از دانشجویان دانشگاه شیراز پرداختند. روایی سازه به روش روایی همگرایی با «سیاهه افسردگی بک» بررسی و ۰/۵۰- گزارش شد. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۰ و برای خرده‌مقیاس‌های ادراک کنترل‌پذیری، ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۸۲ و ۰/۵۲ محاسبه گردید.

۳-۲-۲. پرسشنامه انسجام روانی^۱ (SOC)

این پرسشنامه توسط [آنتونوسکی^۲ \(۱۹۹۳\)](#) تدوین شده است و شامل ۲۹ سوال است که سه مولفه قابل درک بودن^۳ با سوالات ۱، ۳، ۵، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۴ و ۲۶؛ قابل مدیریت بودن^۴ با سوالات ۲، ۶، ۹، ۱۳، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۵ و ۲۷؛ معنی‌دار بودن^۵ با سوالات ۴، ۷، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۲۲ و ۲۸ را اندازه‌گیری می‌کند. در این مقیاس، هر گویه با یکی از گزینه‌های ۱ تا ۷ نمره‌گذاری می‌شود، با این تفاوت که ۱۳ سؤال از میان گویه‌ها به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌گردد. نمره کلی پرسشنامه از طریق جمع امتیازات تمام گویه‌ها محاسبه می‌شود و بازه نمرات ممکن بین ۲۹ تا ۲۰۳ قرار دارد. بر این اساس، نمره بین ۲۹ تا ۵۸ نشان‌دهنده انسجام روانی پایین، نمره ۵۸ تا ۱۱۶ بیانگر انسجام متوسط، و نمره بالاتر از ۱۱۶ نمایانگر انسجام روانی بالا می‌باشد. [اریکسون و لینداستروم^۶ \(۲۰۰۵\)](#) در یک مطالعه مروری که بر روی ۴۵۸ مقاله علمی و ۱۳ رساله دکتری منتشر شده بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۳ انجام شد، نتیجه گرفتند که نسخه‌های ۲۹ سؤالی و ۱۳ سؤالی این پرسشنامه، از اعتبار محتوایی، سازه‌ای و پیش‌بین مناسبی برخوردار بوده و قابلیت کاربرد در فرهنگ‌های گوناگون را داراست. آنان گزارش کردند که مقدار آلفای کرونباخ برای نسخه ۲۹ سؤالی، در ۱۲۴ مطالعه، در بازه‌ای بین ۰/۷۰ تا ۰/۹۵ قرار داشته است. در ایران، محمدزاده و همکاران (۱۳۹۰)؛ به نقل از [شیروانی و همکاران، \(۱۴۰۱\)](#)، پس از ترجمه پرسشنامه مذکور، آن را بر روی دانشجویان ایرانی هنجاریابی کرده و نتایج پایایی و روایی مطلوبی را گزارش دادند. ضرایب آلفای کرونباخ (پایایی داخلی) برای نمره کل پرسشنامه در دانشجویان پسر ۰/۷۸ و در دانشجویان دختر ۰/۷۵ به‌دست آمد. همچنین، ضریب اعتبار بازآزمایی کل مقیاس برای سنجش ثبات زمانی برابر با ۰/۶۶ گزارش شد. محمدزاده و همکاران (۱۳۹۰)؛ به نقل از [شیروانی و همکاران، \(۱۴۰۱\)](#)، از نظر روایی همزمان، مقیاس با پرسشنامه ۴۵ سؤالی سرسختی روان‌شناختی همبستگی‌های معنادار ۰/۵۴ و ۰/۷۵ را نشان داد. در نهایت، در پژوهش فوق، برای بررسی اعتبار سازه، ارتباط خرده مقیاس‌های ادراک‌پذیری، کنترل‌پذیری و معناداری با نمره کل مقیاس به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۱ و ۰/۷۶ به دست آمد که تمامی این یافته‌ها حاکی از اعتبار و پایایی مطلوب مقیاس در نمونه ایرانی مورد مطالعه است. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۳ و برای خرده‌مقیاس‌های قابل درک بودن، قابل مدیریت بودن و معنی‌دار بودن به ترتیب ۰/۳۳، ۰/۵۰ و ۰/۴۷ محاسبه گردید.

۲-۲-۴. مقیاس دزدگی زناشویی^۷ (CBM)

این پرسشنامه توسط [پاینز^۸ \(۱۹۹۶\)](#) تدوین شده است و شامل ۲۱ سوال است که مولفه بی‌رمقی جسمی^۹ با سوالات ۱، ۴، ۷، ۱۰ و ۱۶؛ بی‌رمقی عاطفی^{۱۰} با سوالات ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۱، ۱۳ و ۱۷؛ بی‌رمقی روانشناختی^{۱۱} با سوالات ۶، ۸، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ را اندازه‌گیری می‌کند. مقیاس نمره‌گذاری پرسشنامه از نوع لیکرت ۷ درجه‌ای است که از «۱ = هرگز» تا «۷ = همیشه» گسترده می‌شود. مجموع امتیازات به‌عنوان نمره کلی دزدگی زناشویی در نظر گرفته می‌شود و در این میان، چهار گویه مثبت به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. به‌این‌ترتیب، دامنه نمره کل پرسشنامه از ۲۱ تا ۱۴۷ متغیر است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده

1. sense of coherence scale

2. Antonovsky

3. Comprehensibility

4. Manageability

5. Meaningfulness

6. Eriksson & Lindstrom

7. couple burnout measurement

8. Pines

9. physical fatigue

10. emotional fatigue

11. psychological fatigue

سطح بالاتری از دلزدگی زناشویی هستند. **پاییز و همکاران (۲۰۱۱)** میزان پایایی این ابزار را از طریق آزمون بازآزمایی با فاصله زمانی یک ماه برابر با ۰/۸۹ گزارش کردند و آلفای کرونباخ را در بازه‌ای بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ به دست آوردند که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای پرسشنامه است. در مطالعات داخلی نیز، **آقایوسفی و زند خانه شهری (۱۴۰۱)** ضریب پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۶ گزارش کردند. در مطالعه **عمادی‌فر و همکاران (۱۴۰۱)** پایایی نمره کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ محاسبه گردید. در پژوهش **آقایوسفی و زند خانه شهری (۱۴۰۱)**، به منظور ارزیابی روایی محتوایی «مقیاس دلزدگی زناشویی» از شاخص روایی محتوا استفاده شد. این ارزیابی با نظرخواهی از ۱۰ متخصص (شامل ۹ مرد و ۱ زن) در رشته‌های روان‌شناسی (گرایش‌های کودک و نوجوان، عمومی و بالینی) دانشگاه آزاد قم صورت گرفت. متخصصان موظف بودند که سه معیار «مربوط بودن»، «واضح بودن» و «ساده بودن» هر عبارت از پرسشنامه را بر اساس یک طیف لیکرتی ۴ قسمتی امتیازدهی کنند. همچنین، این امکان فراهم بود که در صورت لزوم و نامناسب بودن شاخص‌ها، عبارتی حذف شود. یافته‌های حاصل از محاسبه شاخص روایی محتوا نشان‌دهنده مقادیر مطلوبی بود؛ به‌طوری‌که شاخص مربوط بودن برابر با ۸۷/۷۵٪، شاخص واضح بودن ۸۱/۵۰٪ و شاخص ساده بودن ۸۰/۲۵٪ گزارش گردید. در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۶ و برای خرده‌مقیاس‌های بی‌رمقی جسمی، بی‌رمقی عاطفی و بی‌رمقی روانشناختی به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۷۶ و ۰/۵۱ محاسبه گردید.

۳-۲. روش تجزیه و تحلیل

داده‌های بدست‌آمده از نمرات آزمودنی‌های تحقیق توسط نرم‌افزار آماری Amos22 و SPSS22 در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل می‌گردد. در سطح توصیفی از شاخص‌هایی همچون میانگین، انحراف معیار و در سطح استنباطی از روش همبستگی پیرسون و همچنین تحلیل مسیر با نرم افزار AMOS استفاده شد.

۳. یافته‌ها

۳-۱. بررسی جمعیت‌شناختی

۱۳/۷ درصد از پاسخگویان در دامنه‌ی سنی ۲۰-۱۶ سال، ۲۷/۳ در دامنه‌ی سنی ۲۵-۲۰ سال، ۱۷/۶ در دامنه‌ی سنی ۳۰-۲۶ سال، ۱۶/۶ سال در دامنه‌ی سنی ۳۵-۳۱ سال، ۸/۳ درصد در دامنه‌ی سنی ۴۰-۳۶ سال و ۱۴/۶ درصد بالای ۴۰ سال سن دارند. لازم به ذکر است ۲ درصد از آزمودنی‌ها به سؤالات مربوط به سن پاسخ ندادند. یافته‌های توصیفی جمعیت‌شناختی در خصوص سطح تحصیلات نشان می‌دهد که ۴۲ درصد از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی زیردیپلم، ۳۰/۲ درصد دیپلم و فوق دیپلم و ۲۷/۸ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی می‌باشند. همچنین، یافته‌های توصیفی جمعیت‌شناختی در خصوص طول مدت ازدواج نشان می‌دهد که ۱۴/۱ درصد از پاسخگویان کمتر از ۱ سال، ۲۷/۳ درصد ۵-۱ سال، ۱۸/۵ درصد ۱۰-۶ سال، ۱۳/۲ درصد ۱۵-۱۱ سال و ۲۴/۹ درصد ۱۵ سال به بالا از زندگی مشترک آنان گذشته بود. لازم به ذکر است ۲ درصد از آزمودنی‌ها به سؤالات مربوط به سن پاسخ ندادند.

۳-۲. یافته‌های توصیفی

بعد از توصیف جمعیت‌شناختی، داده‌های بدست‌آمده از نمرات این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل می‌گردد. برای توصیف داده‌های مربوط به نمونه، ابتدا به محاسبه شاخص‌های مرکزی متغیرهای پژوهش پرداخته شد که به شرح زیر است:

جدول ۱. یافته‌های توصیفی مؤلفه‌های نگرش به طلاق، دلزدگی زناشویی، انعطاف‌پذیری شناختی و انسجام خود

مؤلفه	ابعاد متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
نگرش به طلاق	نگرش به طلاق	۲۰۵	۳۶/۸۶	۷/۳۷	۰/۲۲	-۰/۴۱

دلدگی زناشویی	جنبه جسمانی	۲۰۵	۲۳/۵۸	۶/۸۲	-۰/۱۵	-۰/۶۷
	جنبه روانی	۲۰۵	۳۲/۴۷	۶/۶۵	-۰/۲۷	-۰/۰۶
	جنبه عاطفی	۲۰۵	۲۸/۴۲	۸/۶۰	-۰/۰۶	-۰/۸۰
	نمره کل دلدگی زناشویی	۲۰۵	۸۴/۴۸	۱۸/۸۵	-۰/۰۶	-۰/۴۵
	درجه دلدگی زناشویی	۲۰۵	۴/۱۸	۰/۸۳	-----	-----
انعطاف‌پذیری	ادراک گزینه‌های مختلف	۲۰۵	۵۱/۷۶	۹/۰۶	-۰/۵۱	-۰/۴۰
شناختی	ادراک کنترل‌پذیری	۲۰۵	۳۲/۸۰	۸/۴۴	-۰/۱۷	-۰/۰۵
	ادراک توجیه رفتار	۲۰۵	۸/۷۶	۳/۱۰	-۰/۲۵	-۰/۵۹
	نمره کل انعطاف‌پذیری	۲۰۵	۹۳/۳۳	۱۴/۶۴	-۰/۱۲	-۰/۳۱
انسجام خود	قابل درک بودن	۲۰۵	۳۶/۲۲	۸/۲۲	۰/۰۷	-۰/۲۲
	قابل مدیریت بودن	۲۰۵	۳۳/۲۲	۷/۳۶	-۰/۱۳	-۰/۳۶
	معنی دار بودن	۲۰۵	۲۸/۷۶	۶/۹۲	-۰/۱۰	۰/۰۳
	نمره کل انسجام خود	۲۰۵	۹۸/۲۲	۱۸/۷۷	۰/۰۷	-۰/۵۹

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود از بین مؤلفه‌های تحقیق، بالاترین میانگین متعلق به نمره کل انسجام خود و پایین‌ترین میانگین متعلق به خرده‌مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی (ادراک توجیه رفتار) می‌باشد. نکته‌ای که ذکر آن حائز اهمیت است، این مطلب است که برای تفسیر مؤلفه‌ی دلدگی زناشویی با استفاده از فرمول مندرج در پرسشنامه به محاسبه درجه دلدگی زناشویی پرداخته شد. در تفسیر پرسشنامه آمده است، درجه بیشتر از ۵ نشانگر لزوم کمک فوری، درجه ۵ نشان‌دهنده وجود بحران، درجه ۴ نمایانگر حالت دلدگی، درجه ۳ نشانگر خطر دلدگی و درجه ۲ و کمتر از آن نشان‌دهنده رابطه خوب زوجین است. همانطور که مشاهده می‌شود، میانگین درجه دلدگی زناشویی در بین زنان متقاضی طلاق شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، ۴/۱۸ بدست آمده است که حاکی از وجود دلدگی زناشویی در بین شرکت‌کنندگان است.

برای آزمون فرضیات از روش معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار ایموس و روش همبستگی پیرسون به کمک نرم افزار اس پی اس اس استفاده می‌شود. معیارهای انتخاب روش آماری مناسب برای آزمون فرضیات براساس سطح سنجش متغیرها و هدف می‌باشد.

۳-۳. بررسی مفروضه‌های آزمون‌های آماری

جدول ۱ می‌توان گفت، نتایج آن در تمامی متغیرها بین ۱/۹۶+ تا ۱/۹۶- می‌باشد که نشان از نرمال بودن داده‌ها می‌باشد. به منظور ارزیابی مفروضه عدم همخطی عامل تورم واریانس^۱ و ضریب تحمل^۲ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که مسئله همخطی بودن نیز در متغیرهای تحقیق رخ نداده است. ضریب تحمل دلالت بر نسبت واریانس استاندارد شده کلی دارد که به وسیله دیگر متغیرها تبیین نمی‌شود. ضریب تحمل ۰/۱ یا کمتر نشان‌دهنده همخطی بودن است. عامل تورم واریانس یکی دیگر از روش‌های تشخیص همخطی بودن است که اگر ارزش عامل تورم واریانس بالاتر از ۱۰ باشد نشان‌دهنده همخطی بودن است. در تحقیق حاضر مقادیر به دست آمده از محاسبه عامل تورم واریانس و ضریب تحمل نشان داد که پدیده همخطی بودن در متغیرهای پژوهش رخ نداده است.

۳-۴. بررسی همبستگی متغیرها

با توجه به اینکه تحلیل روابط علی در مدل‌های مفهومی، به‌ویژه در مدل‌یابی ساختاری، بر مبنای میزان همبستگی بین متغیرها انجام می‌شود، پیش از آزمون مدل نظری پژوهش، ابتدا ضرایب همبستگی بین متغیرهای اصلی بررسی و گزارش شده است. این تحلیل مقدماتی به منظور شناخت نحوه تعامل و جهت رابطه میان متغیرهای پژوهش انجام شده تا زمینه لازم برای تحلیل دقیق‌تر مدل مفهومی فراهم گردد.

جدول ۲. آزمون همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱	۱												
۲	۰/۴۶**	۱											
۳	۰/۶۹**	۰/۵۸**	۱										
۴	۰/۸۴**	۰/۷۸**	۰/۹۱**	۱									
۵	-۰/۱۰	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۰۰۱	۱								
۶	-۰/۰۸	۰/۱۴*	۰/۱۸**	-۰/۰۶	۰/۲۲**	۱							
۷	۰/۰۱	-	-	۰/۰۰۱	۰/۳۸**	-۰/۰۸	۱						
۸	-۰/۱۱	۰/۱۱	-۰/۰۸	-۰/۰۳	۰/۸۲**	۰/۶۹**	۰/۴۰**	۱					
۹	-۰/۴۶**	۰/۲۴**	۰/۴۴**	۰/۴۵**	۰/۲۲**	۰/۲۶**	۰/۰۰۶	۰/۲۹**	۱				
۱۰	-۰/۱۷*	۰/۱۶*	-۰/۱۲	۰/۱۷*	۰/۲۷**	۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۲۳**	۰/۴۶**	۱			
۱۱	-۰/۲۰**	-۰/۱۳	۰/۲۱**	۰/۲۲**	۰/۴۱**	۰/۱۵*	۰/۱۳	۰/۳۶**	۰/۴۹**	۰/۶۸**	۱		
۱۲	-۰/۳۴**	۰/۲۱**	۰/۳۲**	۰/۳۴**	۰/۳۶**	۰/۲۰**	۰/۰۷	۰/۳۵**	۰/۸۰**	۰/۸۵**	۰/۸۶**	۱	
۱۳	۰/۱۵*	۰/۲۱**	۰/۰۸	۰/۱۷*	-۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۳۸**	۰/۶۹**	۰/۵۸**	۰/۶۵**	۱

۱. جنبه جسمانی، ۲. جنبه روانی، ۳. جنبه عاطفی، ۴. نمره کل دزدگی زناشویی، ۵. ادراک گزینه های مختلف، ۶. ادراک کنترل پذیری، ۷. ادراک توجیه رفتار، ۸. نمره کل انعطاف پذیری، ۹. قابل

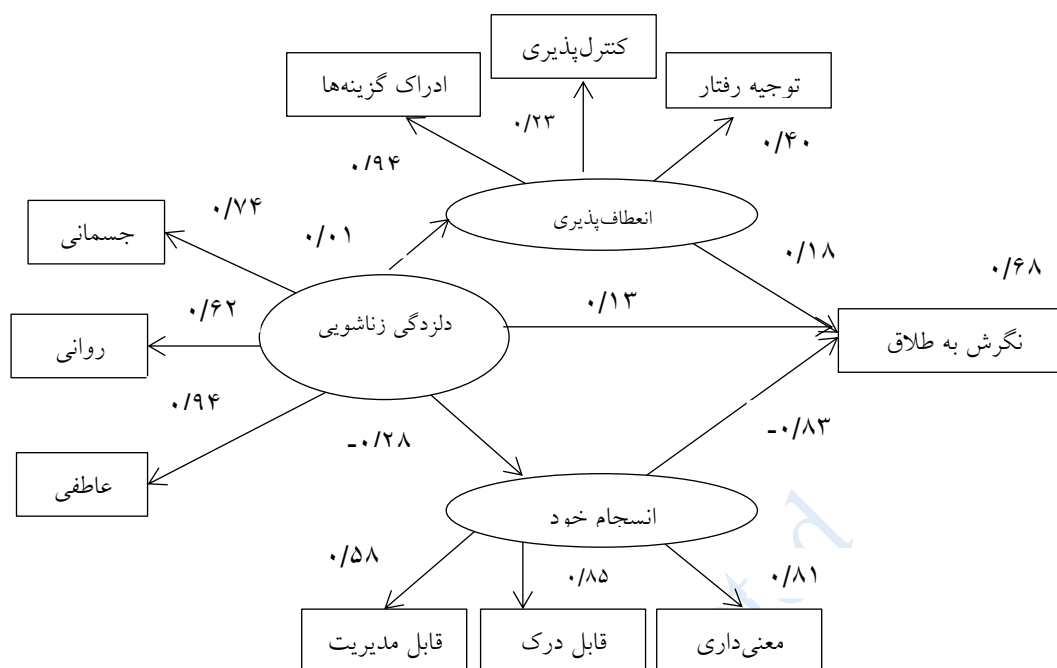
درک بودن، ۱۰. قابل مدیریت بودن، ۱۱. معنی دار بودن، ۱۲. نمره کل انسجام خود، ۱۳. نمره کل نگرش به طلاق.

($P < ۰/۰۱$ ** $P < ۰/۰۵$ *)

خلاصه و تفسیر ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیرهای اصلی پژوهش روابط معنی‌داری وجود دارد که پیش‌نیاز تحلیل‌های بعدی را فراهم می‌کند. دزدگی زناشویی با انسجام خود یک همبستگی معنی‌دار منفی دارد؛ یعنی افزایش دزدگی، احساس یکپارچگی درونی زن را تضعیف می‌کند و در عین حال با نگرش مثبت به طلاق نیز مرتبط است. در مورد متغیر میانجی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با انسجام خود همبستگی معنی‌دار مثبت داشته و نشان می‌دهد که افراد منعطف، انسجام درونی بالاتری دارند. نکته قابل توجه، همبستگی بسیار ضعیف و غیرمعنی‌دار بین دزدگی زناشویی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی است.

برای تجزیه و تحلیل فرضیه اصلی تحقیق از مدل یابی معادلات ساختاری به روش تحلیل مسیر و با کمک نرم افزار آموس استفاده شد. در حقیقت جهت ارزیابی نقش میانجی انسجام خود لازم است که اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیر دزدگی زناشویی و نگرش به طلاق محاسبه گردد. لذا پس از اطمینان یافتن از نرمال بودن متغیرهای وابسته، کلیه روابط میان متغیرها بر اساس مدل مفهومی تحقیق مورد بررسی قرار گرفت.

۳-۵. بررسی مدل ساختاری پژوهش



نمودار ۱- نمودار معادلات ساختاری متناسب با مدل مفهومی و بر روابط بین متغیرها

برازش آماری مدل فوق در جدول زیر ارائه شده است که نشان دهنده آن است که مدل مفروض برازش پایینی دارد.

جدول ۳- نشانگرهای برازش مدل اولیه

نتیجه	مقدار رضایت بخش	مقدار برازش	نشانگر برازش
غیر قابل قبول	کوچتر از ۳	۵/۶۷	نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی (CMIN/df)
غیر قابل قبول	بزرگتر از ۰/۹	۰/۸۵	شاخص نیکویی برازش (GFI)
غیر قابل قبول	بزرگتر از ۰/۹	۰/۷۸	نرم شده برازندگی (NFI)
غیر قابل قبول	بزرگتر از ۰/۹	۰/۸۰	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
غیر قابل قبول	بزرگتر از ۰/۹	۰/۸۱	برازندگی فزاینده (IFI)
غیر قابل قبول	مقادیر بین ۰/۰۵ الی ۰/۰۸ برازش خوب	۰/۱۵	ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA)

لازم به ذکر است، مقادیر پایین تر ریشه میانگین مجذور خطای تقریب^۱ نشان دهنده برازش بهتر هستند. معمولاً مقادیر کمتر از ۰/۰۵ به عنوان نشانگر برازش خوب تلقی می شوند. در برخی زمینه ها، مقادیر تا ۰/۰۸ نیز معقول در نظر گرفته می شوند (پراون و کادیک^۲، ۱۹۹۳). با این حال، استایگر^۳ (۱۹۹۰) پیشنهاد کرد که مقادیر ریشه میانگین مجذور خطای تقریب کمتر از ۰/۰۵ نشان دهنده برازش نزدیک، مقادیر تا ۰/۰۸ قابل قبول، و مقادیر بیشتر از ۰/۱۰ نشان دهنده برازش ضعیف هستند. به طور کلی، مقادیر ریشه میانگین مجذور خطای تقریب بیشتر از ۰/۱۰ حاکی از برازش ضعیف اند. با توجه به نشانگرهای برازش باید گفت که برخی

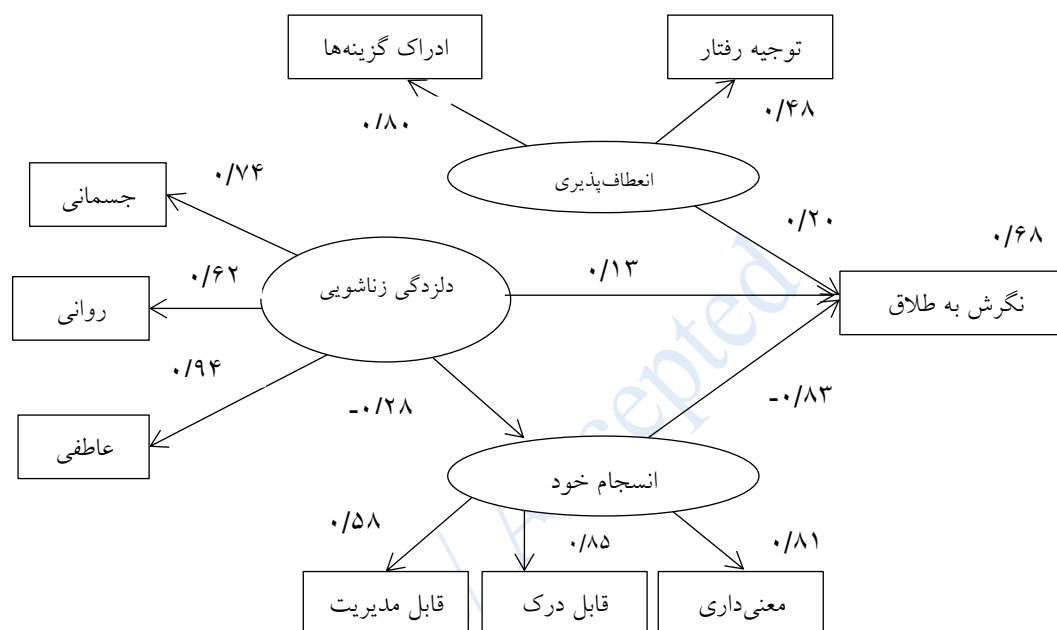
1. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

2. Browne & Cudeck

3. Steiger

از شاخص‌های برازش مدل در سطح قابل قبول قرار ندارد و مقادیر به دست آمده ریشه میانگین مجذور خطای تقریب حاکی از برازش ضعیف مدل با داده‌ها است. بنابراین مدل نیازمند اصلاح یا بازنگری اساسی است. با توجه به اینکه در نمودار اولیه مسیر دلزدگی زناشویی بر انعطاف‌پذیری روانشناختی و نیز مسیر انعطاف‌پذیری بر زیر مؤلفه کنترل‌پذیری معنی‌دار نیست این مسیرها از مدل حذف گردید و مدل مجدد ترسیم شد.

نمودار ۲- نمودار برازش یافته معادلات ساختاری متناسب با مدل مفهومی و بر روابط بین متغیرها



برازش آماری مدل فوق در جدول زیر ارائه شده است که نشان دهنده آن است که مدل مفروض برازش نسبتاً ضعیفی دارد.

جدول ۴- نشانگرهای برازش مدل برازش یافته

نتیجه	مقدار رضایت بخش	مقدار برازش	نشانگر برازش
با اغماض قابل قبول	کوچکتر از ۵	۴/۹۹	نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی (CMIN/df)
غیر قابل قبول	بزرگتر از ۵	۰/۸۹	شاخص نیکویی برازش (GFI)
غیر قابل قبول	بزرگتر از ۵	۰/۸۴	نرم شده برازندگی (NFI)
غیر قابل قبول	بزرگتر از ۵	۰/۸۶	شاخص برازش تطبیقی (CFI)
غیر قابل قبول	بزرگتر از ۵	۰/۸۶	برازندگی فزاینده (IFI)
غیر قابل قبول	مقادیر بین ۰/۰۵ الی ۰/۰۸	۰/۱۴	ریشه میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA)
خوب			

لازم به ذکر است، مقادیر پایین‌تر ریشه میانگین مجذور خطای تقریب نشان دهنده برازش بهتر هستند. معمولاً مقادیر کمتر از ۰/۰۵ به عنوان نشانگر برازش خوب تلقی می‌شوند. در برخی زمینه‌ها، مقادیر تا ۰/۰۸ نیز معقول در نظر گرفته می‌شوند (براون

و کادیک، ۱۹۹۳). با این حال، استایگر (۱۹۹۰) پیشنهاد کرد که مقادیر ریشه میانگین مجذور خطای تقریب کمتر از ۰/۰۵ نشان‌دهنده برازش نزدیک، مقادیر تا ۰/۰۸ قابل قبول، و مقادیر بیشتر از ۰/۱۰ نشان‌دهنده برازش ضعیف هستند. بر اساس نمودار برازش یافته ۲، تحلیل مسیر برای اثرات مستقیم و غیرمستقیم نتایج جدول زیر را به همراه دارد.

جدول ۴- نتایج تحلیل حداقل مربعات جزئی و آزمون فرضیه اصلی

مسیر	ضریب مسیر	سطح معنی داری	نتیجه
دلزدگی زناشویی ← نگرش به طلاق	۰/۱۳	۰/۰۲۰	معنادار
دلزدگی زناشویی ← انسجام خود	-۰/۲۸	۰/۰۰۰۱	معنادار
انسجام خود ← نگرش به طلاق	-۰/۸۳	۰/۰۰۰۱	معنادار
انعطاف‌پذیری شناختی ← نگرش به طلاق	۰/۱۹	۰/۰۴۷	معنادار
دلزدگی زناشویی ← انسجام خود	-۰/۲۴	۰/۰۰۵	معنادار
← نگرش به طلاق			

یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که مؤلفه دلزدگی زناشویی تأثیر مستقیم بر نگرش به طلاق دارد؛ همچنین یافته‌ها نشان داد انسجام خود در رابطه دلزدگی زناشویی با نگرش به طلاق نقش میانجی دارد؛ اما با توجه به علت عدم معنادار بودن مسیر دلزدگی زناشویی بر انعطاف‌پذیری شناختی و حذف این مسیر می‌توان گفت، انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه دلزدگی زناشویی با نگرش به طلاق نقش میانجی ندارد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، پاسخ به این سؤال بود که آیا انسجام خود و انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه بین دلزدگی زناشویی و نگرش به طلاق در زنان متقاضی طلاق نقش میانجی‌گرانه دارد؟ برای دستیابی به پاسخ این سؤال تأثیر متغیر دلزدگی زناشویی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به واسطه متغیرهای میانجی انعطاف‌پذیری شناختی و انسجام خود بر نگرش به طلاق مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد دلزدگی زناشویی با نگرش به طلاق رابطه مثبت و مستقیم دارد. [جاودان و همکاران \(۲۰۲۳\)](#)، [یو و همکاران \(۲۰۲۰\)](#)، [بردیت و همکاران \(۲۰۱۸\)](#)، [پاپ \(۲۰۱۸\)](#) و [محمودپور و همکاران \(۱۳۹۹\)](#) نشان داده‌اند که رضایت زناشویی تأثیر مستقیم بر استحکام زندگی زناشویی و بالعکس دلزدگی زناشویی تأثیر مستقیم بر فرسودگی و دلزدگی زناشویی زوجین دارد. در تبیین تأثیر مستقیم دلزدگی زناشویی بر نگرش به طلاق بر اساس نتایج مطالعات گذشته همچون [ساندر و همکاران \(۲۰۲۰\)](#) و [قربانی و همکاران \(۱۳۹۵\)](#) در ابتدا باید عنوان نمود، زنان متقاضی طلاق در روابط زناشویی خود دچار نوعی فرسودگی عاطفی و روانی هستند که خود را در قالب نشانه‌هایی نظیر بی‌حالی، سردردهای مکرر، اختلالات گوارشی و بی‌اشتهایی نشان می‌دهد. این نشانه‌ها حاکی از آن است که دلزدگی زناشویی نه تنها بر سلامت روان، بلکه بر سلامت جسمانی نیز تأثیرگذار است. افزون بر آن، احساس رنجش و نارضایتی در این گروه از زنان بسیار مشهود است. آن‌ها غالباً دچار نوعی حس بی‌فایده بودن تلاش برای بهبود رابطه هستند و انگیزه‌ای برای حل مسائل موجود از خود نشان نمی‌دهند. در تأیید این یافته، نتایج مطالعه [جاودان و همکاران \(۲۰۲۳\)](#) نشان داد که سبک‌های حل تعارض زنان متقاضی طلاق از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست و اغلب به شیوه اجتنابی روی می‌آورند. چنین رویکردی، به مرور موجب افزایش احساس ناتوانی، فرسودگی و ناامیدی در رابطه می‌شود و حتی در

1. Yu et al.

2. Birditt et al.

3. Papp

4. Sander et al.

برخی موارد زمینه‌ساز افسردگی است. مطابق با نتایج پژوهش [سالینگر و همکاران^۱ \(۲۰۲۱\)](#) می‌توان گفت زوج‌هایی که در روابط خود دچار ناهماهنگی و دلزدگی می‌شوند، بیش از سایرین علائم افسردگی را تجربه می‌کنند. زنان دلزده، اغلب احساس پوچی، بی‌معنایی و بی‌پناهی عاطفی دارند و این احساسات منفی، به کاهش عزت‌نفس و دوست نداشتن خود و همسر می‌انجامد. در این شرایط، باور به توانایی خود در دوست داشتن یا دوست داشته شدن از بین می‌رود و همین امر فاصله عاطفی میان همسران را افزایش می‌دهد و زمینه را برای جدایی و طلاق فراهم می‌سازد.

در همین راستا، [دانگ و همکاران^۲ \(۲۰۲۲\)](#) بر این نکته تأکید کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش آمار طلاق، کاهش رضایت زوجین از رابطه زناشویی است. در مقابل، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زوج‌هایی که دارای مهارت‌های ارتباطی مؤثر هستند، احساس کسالت کمتری در زندگی زناشویی دارند و سطح سازگاری و رضایت آنها به‌طور معناداری بیشتر است. در واقع، وجود هیجانات مثبت، ابراز محبت و ارتباط عاطفی مؤثر، نقش مهمی در تقویت رابطه و ثبات زناشویی دارد. اما هنگامی که روابط زوجین به‌صورت سرد، تدافعی و بدون ابراز احساسات مثبت شکل می‌گیرد، زمینه برای تضعیف پیوند عاطفی و افزایش نگرش مثبت به طلاق فراهم می‌شود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که دلزدگی زناشویی نقشی کلیدی در شکل‌گیری نگرش مثبت به طلاق ایفا می‌کند و قابلیت پیش‌بینی آن را داراست.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان به این یافته اشاره کرد که دلزدگی زناشویی به واسطه انسجام خود با نگرش به طلاق زوجین متقاضی طلاق رابطه معنی‌داری دارد. [لامپراکی و همکاران^۳ \(۲۰۲۲\)](#) و [خانی و آقایی^۴ \(۱۴۰۱\)](#) در پژوهش‌های خود این یافته را عنوان نمودند که برخورداری از انسجام درونی بالا در زندگی زناشویی، موجب کاهش تعارضات و نارضایتی‌های بین زوجین و در نتیجه افزایش رضایت از رابطه می‌شود. برای تبیین این رابطه، ابتدا باید مفهوم انسجام خود را روشن ساخت. به اعتقاد [برونینگ و همکاران^۴ \(۲۰۰۸\)](#)، انسجام خود به معنای داشتن نگرشی پایدار نسبت به زندگی و توانایی مواجهه مؤثر با موقعیت‌های استرس‌زا است. این ظرفیت به معنای انتخاب واکنش‌های سازگارانه مناسب در موقعیت‌های چالش‌برانگیز است، نه الزاماً واکنش‌های یکسان یا از پیش تعیین‌شده. از دیدگاه [مانا و همکاران^۵ \(۲۰۲۱\)](#) انسجام خود یک فرآیند پویا و انطباقی است که فرد را قادر می‌سازد در مواجهه با رویدادهای جدید، از طریق منابع درونی خود، آن موقعیت‌ها را تحلیل کرده، معنایابی نماید و بدون آشفتگی هیجانی از آن‌ها عبور کند. به بیان دیگر، انسجام خود عاملی تعیین‌کننده در این است که چرا برخی افراد می‌توانند فشارهای زندگی را تاب آورند، در حالی که برخی دیگر به سرعت دچار فروپاشی روانی می‌شوند. در همین راستا، [خانی و آقایی^۴ \(۱۴۰۱\)](#) نیز بیان داشتند که زوجینی که دارای انسجام روانی بالاتری هستند، در مواجهه با مشکلات زندگی کمتر آسیب می‌بینند و قادرند در تعاملات زناشویی، واکنش‌های مؤثرتری از خود نشان دهند. این افراد می‌توانند نیازهای خود را به شیوه‌ای روشن و محترمانه به شریک زندگی‌شان ابراز کنند و در نتیجه از سطح بالاتری از رضایت زناشویی برخوردار باشند. طبیعی است که با افزایش رضایت، دلزدگی زناشویی کاهش یافته و تمایل به طلاق نیز کمتر خواهد شد.

نظریه [آنتونووسکی^۱ \(۱۹۹۳\)](#) نیز به‌عنوان چارچوبی مفهومی برای تبیین این یافته قابل استفاده است. از دید او، انسجام خود متشکل از سه مؤلفه‌ی «قابل فهم بودن»، «قابل کنترل بودن» و «معناداری» است؛ بدین معنا که افراد دارای انسجام بالا، جهان پیرامون و وقایع زندگی‌شان را ساختارمند، قابل مدیریت و سرشار از معنا می‌دانند. چنین نگاهی، افراد را در برابر اثرات منفی استرس محافظت کرده و به آن‌ها کمک می‌کند با استفاده از منابع درونی و بیرونی، شیوه‌های مقابله‌ای کارآمدتری اتخاذ کنند. در نهایت می‌توان گفت که انسجام خود از طریق به‌کارگیری ظرفیت‌های شناختی، هیجانی و رفتاری، نقش مهمی در کاهش تنش، تعارض و دلزدگی در روابط زناشویی ایفا می‌کند و در نتیجه به‌صورت غیرمستقیم نگرش افراد نسبت به طلاق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، بر اساس یافته‌های این پژوهش، انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه بین دلزدگی زناشویی و نگرش به طلاق در زنان متقاضی طلاق نقش میانجی دارد.

1. Salinger et al.
2. Dong et al.
3. Lampraki et al.
4. Breunig et al.
5. Mana et al.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان به این یافته اشاره کرد که انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه بین دلدزدگی زناشویی و نگرش به طلاق در زنان متقاضی طلاق نقش میانجی ندارد. ناهمخوان با نتیجه مطالعه حاضر، [صلاحی و همکاران \(۲۰۲۲\)](#) انعطاف‌پذیری شناختی را عاملی اثرگذار در پیش‌بینی ازدواج موفق و کاهش نگرش مثبت به طلاق معرفی نمودند. در تبیین عدم نقش میانجی‌گرانه انعطاف‌پذیری شناختی در پژوهش حاضر می‌توان گفت، زنان متقاضی طلاق با مشکلات زیادی در زندگی خانوادگی خود مواجه‌اند که ممکن است انعطاف‌پذیری شناختی آنان را با کاستی مواجه نماید، چرا که می‌توان گفت، مشکلات و اختلافات در زندگی مشترک زنان متقاضی طلاق به سرحدی رسیده است که آنان را به سوی طلاق کشانده و گاه‌ا نیز مشاهده می‌شود که زوجین برای تسریع در فرآیند طلاق، از مهریه خود نیز می‌گذرند و تنها جدایی را ترجیح می‌دهند.

در همین راستا، [جاودان و همکاران \(۲۰۲۳\)](#) عنوان نمودند، وجود مشکلات و اختلافات در زندگی زناشویی زنان متقاضی طلاق، منجر به فرسودگی زوجین شده و تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری شناختی آنان را به شدت کاهش می‌دهد. در نتیجه می‌توان گفت انعطاف‌پذیری شناختی زنان متقاضی طلاق، احتمالاً تحت تأثیر عوامل بیرونی همچون مشکلات و اختلافات، تأثیر خود بر دلدزدگی زناشویی را از دست داده است. تبیین دیگری که می‌توان برای عدم معنی‌داری نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه دلدزدگی زناشویی با نگرش به طلاق عنوان نمود، فرضیه خستگی است؛ جمع شدن استرس‌ها و فشارهای روانشناختی تضعیف‌کننده عشق و محبت، روند افزایشی و تدریجی خستگی، فرسودگی، یکنواختی و تجمع رنجش‌ها و دردهای کوچک، به مرور زمان باعث به وجود آمدن دلدزدگی و خستگی زوجین می‌شود ([پاییز، ۱۳۹۸](#)). بر اساس دیدگاه [کوفتا و سدیدک \(۱۹۹۹\)](#)، می‌توان دو نوع خستگی را متمایز کرد: نخست، خستگی پیرامونی که به ناتوانی در حفظ عملکرد عضلانی طی انجام فعالیت بدنی اشاره دارد و دوم، خستگی مرکزی یا شناختی که به عنوان الگویی برای تبیین برداشت‌های شناختی منفی فرد از خود تعریف می‌شود. در این مدل، فرد هنگام انجام یک فعالیت شناختی، با هدف مشخصی وارد فرآیند حل مسأله می‌شود و با تکیه بر طرحواره‌های ذهنی و فرضیه‌سازی، تلاش می‌کند به کنترل موقعیت و حل مسئله دست یابد. در شرایط بهنجار، بازخورد اطلاعاتی محیط، فرضیه‌های درست را تقویت کرده و فرضیات نادرست را حذف می‌کند، که این خود منجر به تسلط بر موقعیت می‌گردد. اما زمانی که با یک موقعیت غیرقابل کنترل مواجه می‌شویم و بازخوردهای دریافتی بی‌معنا یا متناقض هستند، فرد دچار سردرگمی شناختی شده و فرضیه‌ها تأیید نمی‌شوند. در چنین شرایطی، علی‌رغم تلاش شناختی مداوم، مسأله حل نمی‌شود و نوعی درماندگی شناختی شکل می‌گیرد. این وضعیت باعث کاهش توانایی فرد در پردازش اطلاعات، تضعیف انگیزش برای تولید و آزمون فرضیه‌های جدید، و در نهایت افت انعطاف‌پذیری شناختی می‌شود. در چنین حالتی، فرد بیشتر به راهکارهای ساده، آشنا و غیرخلاقانه برای مواجهه با مسائل روی می‌آورد. با توجه به این دیدگاه نظری و تأکید بر نقش مؤلفه‌های بیرونی و ذهنی در ایجاد خستگی شناختی، می‌توان چنین استنباط کرد که در پژوهش حاضر، دلدزدگی زناشویی نتوانسته از طریق انعطاف‌پذیری شناختی نگرش به طلاق را پیش‌بینی کند. به عبارت دیگر، سطح بالای دلدزدگی در میان زنان متقاضی طلاق ممکن است به شکل‌گیری خستگی شناختی و کاهش ظرفیت پردازش معطوف اطلاعات منجر شده باشد؛ در نتیجه، کاهش انعطاف‌پذیری شناختی باعث شده است که این متغیر نقش میانجی معناداری در مسیر دلدزدگی زناشویی و نگرش به طلاق ایفا نکند.

هر پژوهشی با محدودیت‌هایی مواجه است که باید در تفسیر و تعمیم نتایج مورد توجه قرار گیرد. مطالعه حاضر نیز از این قاعده مستثنی نیست. نخستین محدودیت این تحقیق، محدود بودن جامعه آماری به زنان متقاضی طلاق شهرستان سبزوار است؛ بنابراین، تعمیم نتایج به سایر شهرها یا گروه‌های جمعیتی باید با احتیاط صورت گیرد. انجام پژوهش‌هایی مشابه در سایر مناطق جغرافیایی و فرهنگ‌های مختلف می‌تواند به درک عمیق‌تر از سازوکارهای روان‌شناختی مؤثر بر نگرش به طلاق منجر شود. دومین محدودیت، استفاده از ابزارهای خودسنجی در گردآوری داده‌ها است. این ابزارها بر پایه برداشت و ادراک فرد از خود طراحی شده‌اند و ممکن است با واقعیت‌های عینی و عملکرد واقعی فاصله داشته باشند. به عبارت دیگر، نمرات حاصل از این آزمون‌ها بیش از آنکه بیانگر توانایی‌های واقعی باشند، منعکس‌کننده خودپنداره و برداشت ذهنی آزمودنی از خویش هستند. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود

در پژوهش‌های آتی از روش‌های متنوع‌تری مانند مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، مشاهده مستقیم رفتار، و گزارش‌های چندمنبعی (مثلاً از همسر یا مشاور) استفاده شود تا اعتبار بیرونی یافته‌ها افزایش یابد و تصویری جامع‌تر از پدیده مورد بررسی ارائه گردد. با وجود این محدودیت‌ها، یافته‌های پژوهش می‌توانند در فرایند شناسایی و تشخیص سطح دلزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق مفید واقع شوند و مبنایی برای طراحی مداخلات روان‌شناختی و مشاوره‌ای در راستای افزایش رضایت زناشویی فراهم آورند. همچنین، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، توصیه می‌شود مشاوران خانواده و درمانگران زناشویی توجه ویژه‌ای به نقش انسجام خود در کاهش دلزدگی زناشویی و پیشگیری از طلاق داشته باشند. آموزش و توانمندسازی زوجین در جهت تقویت انسجام روانی، می‌تواند راهبرد مؤثری در بهبود کیفیت روابط زناشویی و ارتقاء تاب‌آوری روان‌شناختی آن‌ها باشد.

۵. ملاحظات اخلاق پژوهش

این پژوهش با کد اخلاق IR.HSU.REC.1403.006 در کمیته‌ی اخلاق دانشگاه حکیم سبزواری تصویب شده است. لازم به ذکر است، در این مقاله همه حقوق مرتبط با اخلاق پژوهش رعایت شده است. این تعهد اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه و کتبی از کلیه شرکت‌کنندگان پس از توضیح کامل اهداف پژوهش، تضمین محرمانگی و گمنامی اطلاعات و پاسخ‌ها، حفظ حق خروج داوطلبانه شرکت‌کنندگان در هر مرحله، و التزام به صداقت علمی در جمع‌آوری، تحلیل و گزارش داده‌ها و همچنین ارجاع‌دهی دقیق به منابع است.

۶. سازمان حمایت‌کننده

نویسندگان این مقاله صمیمانه از مدیریت محترم و پرسنل کلینیک‌های مشاوره شهرستان سبزوار که با فراهم‌سازی امکان دسترسی به جامعه آماری، همکاری لازم برای اجرای بخش میدانی پژوهش را میسر ساختند، سپاسگزارند. همچنین، از تمامی زنان متقاضی طلاق محترمی که با صرف وقت و پاسخ‌های صادقانه خود به پرسشنامه‌ها، همکاری داوطلبانه و ارزشمندی را در پیشبرد این تحقیق علمی مبذول داشتند، کمال تشکر و قدردانی را داریم. لازم به ذکر است، این مقاله به صورت مستقل نوشته شده و برای نوشتن آن، از هیچ سازمانی حمایت مالی دریافت نشده است.

۷. تعارض منافع

مقاله حاضر تعارض منافع با سایر مقالات نویسندگان ندارد.

منابع

- آقایوسفی، ع.، و زند خانه شهری، ز. (۱۴۰۱). اثربخشی «طرحواره درمانی» و «درمان تصویرسازی ارتباطی» بر دلزدگی زناشویی زوج‌های شهر قم. *فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت*، ۱۱(۶)، ۶۷-۵۶. <https://doi.org/10.22034/JHPM.11.6.56>
- بگی، م.، و حسینی، ح. (۱۴۰۰). تفاوت‌های نسلی در نگرش نسبت به طلاق در ایران: کاربرد الگوی چندسطحی. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۳)، ۴۴-۲۳. <https://doi.org/10.22108/srsp.2021.132060.1764>
- پاینزی، ای. ام. (۱۳۹۸). *دلزدگی از روابط زناشویی*. ترجمه سید حبیب گوهری راد و کامران افشار (انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۶)، تهران: نشر رادمهر <https://ketab.ir/book/3f51a0ab-756c-4de7-9bca-1c349086fc6b>
- خانی، ف.، و آقایی، ا. (۱۴۰۱). مقایسه‌ی بهزیستی معنوی و احساس انسجام روانی زوجین رضایتمند و زوجین دارای تعارض. *مجله پژوهش در دین و سلامت*، ۸(۳)، ۹۷-۱۰۸. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v8i3.34898>
- دهقانی، ف.، و بهاری، ز. (۱۴۰۰). نقش میانجی انعطاف‌پذیری شناختی در رابطه بین استرس شغلی و بهزیستی روانشناختی پرستاران. *نشریه پرستاری ایران*، ۳۴(۱۳۳)، ۲۶-۱۶. <http://dx.doi.org/10.32598/ijn.34.5.2.16-26>
- روشنی، ش.، تافته، م.، و خسروی، ز. (۱۳۹۸). فراتحلیل پژوهش‌های طلاق در ایران در دو دهه اخیر (۱۳۷۷-۱۳۹۷) و ارائه راهکارهای کاهش طلاق و پیامدهای منفی آن برای زنان و فرزندان. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۷(۴)، ۵۷۴-۵۵۳. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.287279.1007699>

شیروانی، ا.، دولت یاری، ص.، یوسفی، ع.، و خواجه پور، ل. (۱۴۰۱). تعیین رابطه و سهم پیش‌بینی‌کنندگی احساس معنا در زندگی و حس انسجام در رشد پس از سانحه در متاهلین بهبود یافته از کرونا در شهر ایلام. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۸(۱)، ۱۷۷-۱۹۹.

<https://doi.org/10.52547/JFR.18.1.177>

عمادی‌فر، ف.، فلاح یخدانی، م.ح.، وزیری یزدی، س.، و چابکی‌نژاد، ز. (۱۴۰۱). طرحواره‌درمانی و درمان متمرکز بر شفقت و ارزیابی اثربخشی آن بر دزدگی زناشویی زنان. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۱۳(۴)، ۹۱-۱۰۸.

<https://doi.org/10.22059/japr.2023.329307.643954>

فرهادیان نژاد، م.، کریمی، ج.، پیریائی، ح.، و گودرزی، ک. (۱۴۰۴). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار و زوج‌درمانی رفتاری یکپارچه‌نگر بر ابرازگری هیجانی و تاب‌آوری خانوادگی زوجین با دزدگی زناشویی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، آماده انتشار.

<https://doi.org/10.22059/japr.2025.383466.645034>

قربانی، ف.، حیدری راد، ح.، و علمردانی صومعه، س. (۱۳۹۵). مقایسه ی هوش هیجانی و دزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق و زنان عادی. نشریه دست آوردهای روانشناسی بالینی، ۲(۴)، ۳۶-۲۱.

<https://doi.org/10.22055/jacp.2018.22128.1037>

مکوندی، ل.، برادران، م.، و رنجبر نوشری، ف. (۱۴۰۳). اثربخشی «آموزش شناختی-رفتاری» بر پریشانی روانشناختی و انعطاف‌پذیری شناختی در افراد دارای اختلال ملال جنسیتی. فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت، ۱۳(۳)، ۶۰-۴۸. <http://dx.doi.org/10.22034/JHPM.13.3.48>

محمودپور، ع.، شیری، ط.، فرحبخش، ک.، و ذوالفقاری، ش. (۱۳۹۹). پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس دزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴۲)، ۱۲۱-۱۴۱.

<https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.43452.2164>

مؤذن، م.، و صداقتی فرد، م. (۱۴۰۳). الگوی ساختاری پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس نگرش به طلاق و توجیه روابط فرا زناشویی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت، ۱۳(۵)، ۹۳-۱۰۴.

<http://dx.doi.org/10.22034/JHPM.13.5.93>

References

- Agha Yosefi, A., & Zand Khaneh Shahri, Z. (2022). The Effectiveness of “Schema Therapy” and “Imago Relationship Therapy” and on Marital Boredom of Couples in Qom. *Journal of Health Promotion Management*, 11(6), 56-67. <https://doi.org/10.22034/JHPM.11.6.56> (In Persian)
- Antonovsky, A. (1996). The salutogenic model as a theory to guide health promotion. *Health Promotion International*, 11(1), 11-8. <https://doi.org/10.1093/heapro/11.1.11>
- Antonovsky A. (1993). The structure and properties of the sense of coherence scale. *Social Science & Medicine*, 36(6), 725-733. [https://doi.org/10.1016/0277-9536\(93\)90033-Z](https://doi.org/10.1016/0277-9536(93)90033-Z)
- Auersperg, F., Vlasak, T., Ponocny, I., & Barth, A. (2019). Long-term effects of parental divorce on mental health—A meta-analysis. *Journal of Psychiatric Research*, 119, 107-115. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2019.09.011>
- Bagi, M., & Hosseini, H. (2021). Investigating generational differences in the attitudes towards divorce in Iran using multi-level modeling. *Strategic Research on Social Problems*, 10(3), 23-44. <https://doi.org/10.22108/srsp.2021.132060.1764> (In Persian)
- Birditt, K., Wan, W., Orbuch, T., & Antonucci, T. (2017). The Development of Marital Tension: Implications for Divorce among Married Couples. *Developmental Psychology*, 53(10), 1995–2006. <https://doi.org/10.1037/dev0000379>
- Braun-Lewensohn, O., Idan, O., Lindström, B., & Margalit, M. (2017). Salutogenesis: Sense of coherence in adolescence. In M. B. Mittelmark, S. Sagy, M. Eriksson, G. F. Bauer, J. M. Pelikan, B. Lindström, & G. A. Espnes (Eds.), *The handbook of salutogenesis* (pp. 123–136). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-319-04600-6_14
- Breunig, M., O'Connell, T., Todd, S., Young, A., Anderson, L., & Anderson, D. (2008). Psychological sense of community and group cohesion on wilderness trips. *Journal of Experiential Education*, 30(3), 258-261. <http://dx.doi.org/10.1177/105382590703000307>

- Browne, M. W., & Cudeck, R. (1992). Alternative ways of assessing model fit. *Sociological Methods & Research*, 21(2), 230-258. <https://doi.org/10.1177/0049124192021002005>
- Brown, S. L., Lin, I. F., & Mellencamp, K. A. (2023). A brief report on living arrangements following gray divorce. *The Journals of Gerontology: Series B*, 78(8), 1396-1401. <https://doi.org/10.1093/geronb/gbad035>
- Campbell, P. (2021). Lay participation with medical expertise in online self-care practices: Social knowledge (co) production in the Running Mania injury forum. *Social Science & Medicine*, 277, 113880. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2021.113880>
- Dehghani, F., & Bahari, Z. (2021). The mediating role of cognitive flexibility in the relationship between job stress and psychological wellbeing of nurses. *Iran Journal of Nursing*, 34(133), 16-27. <http://ijn.iums.ac.ir/article-1-3220-fa.html>. (In Persian)
- Dennis, J. P., & Vander Wal, J. S. (2010). The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive Therapy and Research*, 34, 241-253. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s10608-009-9276-4>
- Dong, S., Dong, Q., & Chen, H. (2022). Mothers' parenting stress, depression, marital conflict, and marital satisfaction: The moderating effect of fathers' empathy tendency. *Journal of Affective Disorders*, 299, 682-690. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.12.079>
- Dzando, G., Asante, D., Yabila, S., Suuron, V. M., Amenu, J., Salifu, S., & Awiagah, S. K. (2025). Late-Life Divorce and well-being of older people: A systematic review. *Archives of Gerontology and Geriatrics Plus*, 2(1), 100107. <https://doi.org/10.1016/j.aggp.2024.100107>
- Emadi far, F., Fallah Yakhani, M. H., Vaziri Yazdi, S., & Chabokinejad, Z. (2022). Offering and Evaluation Therapeutic Model Based on Therapeutic Schema and Compassion-Focused Therapy and Evaluating Its Effectiveness on the on Women's Marital Burnout. *Journal of Applied Psychological Research*, 13(4), 91-108. <https://doi.org/10.22059/japr.2023.329307.643954>. (In Persian)
- Eriksson, M., & Lindstrom, B. (2005). Validity of Antonovsky sense of coherence scale: a systematic review. *Journal of Epidemiology and Community Health*, 59(6), 460-466. <https://doi.org/10.1136/jech.2003.018085>
- Farhadian Nezhad, M., Karimi, J., Piriaei, H. & Goodarzi, K. (2025). Comparison of Effectiveness Emotionally Focused Couple Therapy and Integrative Behavioral Couple Therapy on Emotional Expression and Family Resilience in Couples with Marital Burnout. *Journal of Applied Psychological Research*, (In Press/ Accepted Manuscript). <https://doi.org/10.22059/japr.2025.383466.645034> (In Persian)
- Furstenberg, F. F. (2019). Family change in global perspective: How and why family systems change. *Family Relations*, 68(3), 326-341. <https://doi.org/10.1111/fare.12361>
- Garmendia, A., & Yaben, S.Y. (2014). Validity and Reliability of the Spanish Translation of the Attitudes towards Divorce Scale. *Journal of Divorce & Remarriage*, 55(5), 348-362. <http://dx.doi.org/10.1080/10502556.2014.920681>
- Ghorbani, F., Heydari Rad, H., & Almardani Some'eh, S. (2017). The Comparison of Emotional Intelligence and Marital Burnout in Women Demanding Divorce and Normal Women. *Clinical Psychology Achievements*, 2(4), 21-36. <https://doi.org/10.22055/jacp.2018.22128.1037> (In Persian)
- Hohl, K., & Dolcos, S. (2024). Measuring cognitive flexibility: A brief review of neuropsychological, self-report, and neuroscientific approaches. *Frontiers in Human Neuroscience*, 18, 1331960. <https://doi.org/10.3389/fnhum.2024.1331960>
- Jafari, A., Alami, A., Charoghchian, E., Delshad Noghabi, A., & Nejatian, M. (2021). The impact of effective communication skills training on the status of marital burnout among married women. *BMC Women's Health*, 21, 231. <https://doi.org/10.1186/s12905-021-01372-8>

- Javdan, M., Bahrampour, T. & Dehghani, M. (2023). The Role of Family Relationships and Conflict Resolution Styles in Marital Burnout of Couples Seeking a Divorce. *Journal of Family Relations Studies*, 3(8), 32-39. <https://doi.org/10.22098/jfrs.2023.12006.1093>
- Khani, F., & Aghaei, A. (2022). Comparison of Spiritual Wellbeing and Sense of Mental Coherence in Satisfied Couples and Couples with Conflict. *Journal of Research on Religion and Health*, 8(3), 97-108. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v6i3.24105>. (In Persian)
- Khazaei, S. & Babaie, M. (2022). The Role of Cognitive Flexibility and Religious Coping Strategies in Predicting Divorce of Women with Betrayal Experiences. *Journal of Family Relations Studies*, 2(4), 4-12. <https://doi.org/10.22098/jhrs.2022.1407>
- Kinnaird, K. L., & Gerrard, M. (1986). Premarital sexual behavior and attitudes toward marriage and divorce among young women as a function of their mothers' marital status. *Journal of Marriage and Family*, 48(4), 757-765. <https://doi.org/10.2307/352568>
- Kofta, M., & Sedek, G. (1999). Uncontrollability as irreducible uncertainty. *European Journal of Psychology*, 29(5-6), 577-590. [https://doi.org/10.1002/\(SICI\)1099-0992\(199908/09\)29:5/6%3C577::AID-EJSP947%3E3.0.CO;2-K](https://doi.org/10.1002/(SICI)1099-0992(199908/09)29:5/6%3C577::AID-EJSP947%3E3.0.CO;2-K)
- Kocyigit, M., & Uzun, M. (2025). Emotion regulation and couple burnout in marriage: A moderated moderation model of authenticity, sex of parents and having children. *Current Psychology*, 44, 3564-3578. <https://doi.org/10.1007/s12144-024-07253-1>
- Lampraki, C., Jopp, D.S., & Spini, D. (2022). The mediating role of self-continuity on the link between childhood adversity and loneliness in later life. *Frontiers in Psychology*, 13, 1039504. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.1039504>
- Le, D. Q., Nguyen, H. A., Nguyen, D. T. P., & Nguyen, N. P. (2024). Perceptions, attitudes, and experiences of domestic violence among Vietnamese university students. *SSM-Mental Health*, 6(3), 100334. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ssmmh.2024.100334>
- Makvandi, L., Baradaran, M., & Ranjbar Noushari, F. (2024). The Effectiveness of “Cognitive-Behavioral Training” on Psychological Distress and Cognitive Flexibility in People with Gender Dysphoria Disorder. *Journal of Health Promotion Management*, 13(3), 48-60. <http://dx.doi.org/10.22034/JHPM.13.3.48> (In Persian)
- Mahmoodpour, A., Shiri, T., Farahbakhsh, K., & ZolfaghRI, S. (2020). Anticipation of divorce tendency based on marital Burnout and distress tolerance by the mediation of loneliness in female applicants for divorce. *Counseling and Psychotherapy Culture*, 11(42), 121-141. <https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.43452.2164> (In Persian)
- Mana, A., Bauer, G. F., Magistretti, M., Sardu, C. C., Juvinyà-Canal, D., Hardy, L. J., Catz, O., Tušl, M., & Sagyi, S. (2021). Order out of chaos: Sense of coherence and the mediating role of coping resources in explaining mental health during COVID-19 in 7 countries. *SSM Ment Health*, 1, 100001. <https://doi.org/10.1016/j.ssmmh.2021.100001>
- Mentser, S., & Sagiv, L. (2025). Cultural and personal values interact to predict divorce. *Communications Psychology*, 3, 12. <https://doi.org/10.1038/s44271-025-00185-x>
- Moazzen, M., & Sedaghatifard, M. (2025). The Structural Model of Predicting Marital Satisfaction based on the Attitude towards Divorce and the Justification of Extramarital Relationships in the Students of Islamic Azad University of Garmsar Branch. *Journal of Health Promotion Management*, 13(5), 93-104. <http://dx.doi.org/10.22034/JHPM.13.5.93> (In Persian).
- Nkurunziza, A., Niyonsenga, J., Munganyinka, C., Ntete, J. M., & Mutabaruka, J. (2025). A pilot randomized controlled trial evaluating the impact of a skills and attitudes based program on marital quality. *Discover Psychology*, 5, 13. <https://doi.org/10.1007/s44202-025-00334-7>
- Papp, L. M. (2018). Topics of marital conflict in the everyday lives of empty nest couples and their implications for conflict resolution. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 17(1), 7-24. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/15332691.2017.1302377>

- Pellón-Elexpuru, I., Van Dijk, R., Van der Valk, I., Martínez-Pampliega, A., Molleda, A., & Cormenzana, S. (2024). Divorce and physical health: A three-level meta-analysis. *Social Science & Medicine*, 352, 117005. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2024.117005>
- Pines, A. M. (2018). *Psychology couple burnout*. S. H. Gohari Rad & K. Afshar, Trans. (Original work published 1996). Tehran: Radmehr Publishing. (In Persian)
- Pines, A. M. (1996). *Couple Burnout*. New York: Routledge. 1st edition. 1996. <https://www.routledge.com/Couple-Burnout-Causes-and-Cures/Pines/p/book/9780415916325>
- Pines, A. M., Neal, M. B., Hammer, L. B., & Icekson, T. (2011). Job Burnout and Couple Burnout in Dual-earner Couples in the Sandwiched Generation. *Social Psychology Quarterly*, 74(4), 361-86. <http://dx.doi.org/10.1177/0190272511422452>
- Ram, D., Mushtaq, N. F., Honnugudi, B. D., & Alammar, M. A. (2022). Level and Relationships of Life Satisfaction with Cognitive Flexibility and Resilience in IT Professionals. *Indian Journal of Occupational and Environmental Medicine*, 26(2), 84-90. https://doi.org/10.4103/ijoem.ijoem_213_21
- Rasti, M. S., Amirshahi, M., & Ghaznavi, S. (2024). The mediating role of marital boredom in the relationship between emotional divorce with self-differentiation and communication patterns of couples. *Social Determinants of Health*, 10(1), 1-12. <https://doi.org/10.22037/sdh.v10i1.44559>
- Rowshani, S., Tafté, M., & Khosravi, Z. (2020). Meta-analysis of divorce researches in Iran in the last two decades (1998-2018) to reduce divorce and its negative consequences for women and children. *Woman in Development & Politics*, 17(4), 653-674. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.287279.1007699> .(In Persian)
- Salahi, H., Hosseinian, S & Yazdi, S M. (2022). Modeling the relationship between cognitive flexibility and self-differentiation with successful marriage: the mediating role of cognitive emotion regulation. *Applied Family Therapy Journal*, 3(3), 18-21. <https://doi.org/10.61838/kman.afjt.3.3.6>
- Salinger, JM., Whisman, MA., AK., Randall & Hilpert, P. (2021). Associations Between Marital Discord and Depressive Symptoms: A Cross-Cultural Analysis. *Family Process*, 60(2), 493-506. <https://doi.org/10.1111/famp.12563>
- Sander, S., Strizzi, JM., Øverup, C. S., Cipric, A., & Hald, G. M. (2020). When Love Hurts– Mental and Physical Health Among Recently Divorced Danes. *Frontiers in Psychology*, 11, 578083. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.578083>
- Shahabi, B., Shahabi, R., & Foroozandeh, E. (2020). Analysis of the self-compassion and cognitive flexibility with marital compatibility in parents of children with autism spectrum disorder. *International Journal of Developmental Disabilities*, 66(4), 282-288 <https://doi.org/10.1080/20473869.2019.1573000>
- Shareh, H., Farmani, A., & Soltani, E. (2014). Investigating the Reliability and Validity of the Cognitive Flexibility Inventory (CFI-I) among Iranian University Students. *Practices Clinical Psychology*, 2(1), 43-50. <http://jpcp.uswr.ac.ir/article-1-163-en.html>
- Shirvani, E., Dolatyari, S., yousefi, E., & Khajehpour, L. (2022). Determining the Relationship and Predictive Role of Sense of Meaning in Life and Sense of Coherence in Post-Traumatic Growth in Recovered Married People from Coronavirus in Ilam. *Journal of Family Research*, 18(1), 177-199. <https://doi.org/10.52547/JFR.18.1.177> (In Persian)
- Steiger, J. H. (1990). Structural model evaluation and modification: An interval estimation approach. *Multivariate Behavioral Research*, 25(2), 173-180. https://doi.org/10.1207/s15327906mbr2502_4
- Tong, K., Fu, X., Hoo, N. P., Mun, L. K., Vassiliu, C., Langley, C., ... & Leong, V. (2024). The development of cognitive flexibility and its implications for mental health disorders. *Psychological Medicine*, 54(12), 3203-3209. <https://doi.org/10.1017/s0033291724001508>
- Uddin, L. Q. (2021). Cognitive and behavioural flexibility: Neural mechanisms and clinical considerations. *Nature Reviews Neuroscience*, 22, 167–179. <https://doi.org/10.1038/s41583-021-00428-w>

- Uunk, W., & Hoffmann, P. (2023). Do Personality Traits Moderate the Effects of Cohabitation, Separation, and Widowhood on Life Satisfaction? A Longitudinal Test for Germany. *Journal of Happiness Studies*, 24, 141–157. <https://doi.org/10.1007/s10902-022-00573-8>
- Yu, Y., Wu, D., Wang, JM., & Wang, YC. (2020). Dark personality, marital quality, and marital instability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and Individual Differences*, 1(154), 109689. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109689>
- Weigel, D. J., & Shrout, M. R. (2021). Relationship conflict, appraisals, and disillusionment: the moderating role of depression. *Personality and Individual Differences*, 171, 110494. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.paid.2020.110494>
- Zheng, S., Duan, Y., & Ward, M. R. (2019). The effect of broadband internet on divorce in China. *Technological Forecasting and Social Change*, 139, 99-114. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2018.07.038>

In Press/ Accepted

Extended Abstract

Aim

In recent decades, marriage and family have undergone substantial changes due to increasing individualism, changing gender roles, and social and economic pressures. These changes have been accompanied by transformations in marital relationships and increasing divorce rates in many societies, including Iran (Jabbari, 2024; as cited in [Dzando et al., 2025](#); [Furstenberg., 2019](#); [Rowshani et al., 2019](#)). Divorce is a stressful life event, and attitudes toward divorce may be influenced by psychological and relational factors, including marital relationship quality and psychological well-being ([Brown et al., 2023](#); [Le et al., 2024](#)). Marital dissatisfaction may reflect emotional and psychological deterioration associated with reduced emotional attachment and greater openness to marital dissolution ([Auersperg et al., 2019](#); [Rasti et al., 2024](#); [Weigel & Shrout, 2021](#); [Kocyigit & Uzun, 2024](#)).

The relationship between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce may depend on psychological resources that influence how individuals perceive and cope with marital stress. One such resource is self-coherence. According to Antonovsky's salutogenic theory, self-coherence refers to the extent to which individuals perceive life events as comprehensible, manageable, and meaningful, thereby facilitating adaptive coping ([Antonovsky, 1996](#)). [Khani and Aghaei \(2022\)](#) reported a relationship between self-coherence and adaptive marital functioning. These findings suggest that individuals with greater self-coherence may be better able to organize and interpret stressful marital experiences and perceive greater capacity to manage relationship difficulties. Accordingly, self-coherence may represent a psychological pathway through which marital dissatisfaction is associated with attitudes toward divorce.

Cognitive flexibility may constitute another relevant psychological mechanism. According to [Dennis and Vander Wal \(2010\)](#), cognitive flexibility involves the ability to consider difficult situations from multiple perspectives, generate alternative explanations, and identify different possible solutions, thereby facilitating more balanced and adaptive responses. Within marital relationships, greater cognitive flexibility may enable individuals to reinterpret interpersonal conflicts, consider their partner's perspective, and respond to relationship difficulties in a more constructive manner. Previous research has examined cognitive flexibility in relation to marital adjustment and related relationship processes ([Hohl & Dolcos, 2024](#)). Thus, cognitive flexibility may also serve as a psychological mechanism linking experiences of marital dissatisfaction with individuals' attitudes toward divorce.

Although previous studies have established associations between self-coherence and adaptive marital functioning ([Khani & Aghaei, 2022](#)) and cognitive flexibility and marital adjustment ([Hohl & Dolcos, 2024](#)), limited attention has been given to whether these two psychological resources simultaneously mediate the relationship between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce. In particular, direct empirical evidence examining this mediation model among women seeking divorce in Iran remains limited. Therefore, the present study aimed to examine the relationship between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce and to investigate whether self-coherence and cognitive flexibility simultaneously mediate this relationship among women seeking divorce.

Methodology

The present study was fundamental in terms of its purpose and descriptive-correlational in terms of its design. The statistical population consisted of all women who had referred to counseling centers in Sabzevar during the winter of 2024 to receive counseling services and pursue divorce-related procedures. Given the use of structural equation modeling in this study, the sample size was determined based on the recommended criteria for conducting structural equation modeling analyses. According to [Kline \(2023\)](#) a minimum sample size of 200

participants is recommended for the appropriate implementation of this type of analysis. Accordingly, 205 participants were selected using convenience sampling. To compensate for the possibility of excluding some questionnaires due to incomplete or invalid responses and to maintain the required sample size for the final analysis, 205 participants were initially recruited. Convenience sampling was used for participant recruitment. For this purpose, the researcher visited counseling centers in Sabzevar and identified women seeking divorce who referred to these centers during the study period. After explaining the purpose of the study, those who were willing to participate and met the inclusion criteria were enrolled in the study.

The inclusion criteria were being at least 18 years old, being a woman and currently in the process of seeking divorce, having referred to the designated counseling centers during the study period, being able to understand and respond to the questionnaire items, being informed about the purpose of the study, and providing informed and voluntary consent to participate. Participants were also required to complete the questionnaires fully and carefully. The exclusion criteria included incomplete or inaccurate completion of the questionnaires, providing invalid responses or inappropriate response patterns, withdrawing from participation at any stage of the study, and simultaneous participation in similar studies during the same period. Participants who met any of the exclusion criteria were excluded from the final data analysis.

Data were collected using four standardized instruments: the Attitudes Toward Divorce Scale (ADS; [Kinnaird & Gerard, 1986](#)), a 12-item questionnaire assessing positive and negative attitudes toward divorce; the Cognitive Flexibility Inventory (CFI; [Dennis & Vander Wal, 2010](#)), a 20-item instrument assessing controllability, alternatives, and justification; the Sense of Coherence Scale (SOC; [Antonovsky, 1993](#)), a 29-item instrument measuring comprehensibility, manageability, and meaningfulness; and the Couple Burnout Measure (CBM; [Pines, 1996](#)), a 21-item scale assessing psychological and emotional exhaustion associated with marital relationships. Evidence of the validity and reliability of these instruments has also been reported in Iranian samples. For the ADS, [Moazzen and Sedaghatifard \(2024\)](#) confirmed content validity using a qualitative approach and reported an internal consistency coefficient above 0.70. For the CFI, [Shareh et al. \(2014\)](#) reported evidence of construct and convergent validity in a sample of 277 Iranian university students and a Cronbach's alpha coefficient of 0.90 for the total scale. For the SOC, Mohammadzadeh et al. (2011; as cited in [Shirvani et al., 2022](#)) reported evidence of concurrent and construct validity in an Iranian sample, with Cronbach's alpha coefficients of 0.78 for men and 0.75 for women. For the CBM, [Agha Yosefi and Zand Khaneh Shahri \(2022\)](#) reported satisfactory content validity and a Cronbach's alpha coefficient of 0.86; [Emadifar et al. \(2022\)](#) also reported a Cronbach's alpha coefficient of 0.88 for the scale.

The data were analyzed using SPSS 22 and AMOS 22. Descriptive statistics, including the mean and standard deviation, were calculated, while inferential analysis included the Pearson correlation coefficient and path analysis within the structural equation modeling framework. To examine the mediating roles of self-coherence and cognitive flexibility, the direct, indirect, and total effects of the study variables were examined in the model. The significance of the indirect effects was assessed using the bootstrap method with 95% confidence intervals; an indirect effect was considered statistically significant when zero was not included in its confidence interval.

Findings

To test the main hypothesis, structural equation modeling (SEM) using the path analysis method was applied in AMOS. Initially, the conceptual model demonstrated a poor fit with the data, as indicated by a high RMSEA value (0.15) and an unacceptable chi-square to degrees of

freedom ratio. After making the necessary modifications, the respecified model did not achieve an acceptable level of fit, as indices such as GFI (0.89), CFI (0.86), and NFI (0.84) were all below the recommended threshold of 0.90, indicating that the revised model was not statistically acceptable. Based on the results of the coefficient of determination, the predictor variables in the model explained 8.1% of the variance in self-coherence and 16.5% of the variance in attitudes toward divorce.

Path analysis for the direct and indirect effects is presented in the following table:

Table 1. Results of Path Analysis for the Main Hypothesis

Path	Estimate (β)	SSE	CR	P-value	Result
Marital Dissatisfaction → Divorce Attitude	0.13	0.08	2.36	0.020	Significant
Marital Dissatisfaction → Self-Coherence	-0.28	0.09	-3.50	0.001	Significant
Self-Coherence → Divorce Attitude	-0.83	0.09	-11.86	0.001	Significant
Cognitive Flexibility → Divorce Attitude	-0.19	0.08	2.04	0/047	Significant
Bootstrap test	Estimate (β)	Lower Bound	Upper Bound	p-value	Result
Marital Dissatisfaction → Self-Coherence → Divorce Attitude	-0.24	0.09	0.37	0.005	Significant

The estimated direct paths indicated that marital dissatisfaction had a positive and statistically significant effect on attitudes toward divorce ($\beta = 0.13$, $SE = 0.08$, $CR = 2.36$, $p = 0.020$). Marital dissatisfaction also had a negative and statistically significant effect on self-coherence ($\beta = -0.28$, $SE = 0.09$, $CR = -3.50$, $p = 0.001$). In turn, self-coherence had a negative and statistically significant effect on attitudes toward divorce ($\beta = -0.83$, $SE = 0.09$, $CR = -11.86$, $p = 0.001$). Furthermore, cognitive flexibility had a significant negative direct effect on attitudes toward divorce ($\beta = -0.19$, $SE = 0.08$, $CR = 2.04$, $p = 0.047$).

To examine the mediating role of self-coherence, the indirect effect of marital dissatisfaction on attitudes toward divorce through self-coherence was tested using the bootstrap procedure. The indirect effect was statistically significant ($\beta = -0.24$, $p = 0.005$), and the bootstrap confidence interval ranged from 0.09 to 0.37. Since the bootstrap confidence interval did not include zero, the indirect effect was statistically significant, providing evidence for a significant mediating role of self-coherence in the relationship between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce.

It should be added that, in the initial model, the path from marital dissatisfaction to cognitive flexibility was not statistically significant; therefore, this path was removed from the model. Accordingly, the findings from the final model do not support the presence of a significant indirect pathway from marital dissatisfaction to attitudes toward divorce through cognitive flexibility. Thus, despite its direct association with attitudes toward divorce, cognitive flexibility did not play a mediating role in the relationship between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce.

Conclusion

The present study examined the mediating roles of self-coherence and cognitive flexibility in the relationship between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce among women seeking divorce. The findings showed a positive and significant association between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce, which may be related to emotional and psychological exhaustion, reduced motivation to resolve marital conflicts, and experiences of meaninglessness and dissatisfaction, consistent with previous research ([Sander et al., 2020](#); [Javdan et al., 2023](#)).

The findings also supported a mediating role of self-coherence in the relationship between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce. This finding is consistent with [Lampraki et al. \(2022\)](#) and [Khani and Aghaei \(2022\)](#). From [Antonovsky's \(1993\)](#) perspective, higher self-coherence is associated with perceiving challenging situations as comprehensible, manageable, and meaningful and with more adaptive responses to difficulties. Thus, lower self-coherence may be related to greater difficulty in managing marital problems and may partly account for the association between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce ([Breunig et al., 2008](#); [Mana et al., 2021](#)).

In contrast, cognitive flexibility was directly and significantly associated with attitudes toward divorce but did not mediate the relationship between marital dissatisfaction and attitudes toward divorce. The path from marital dissatisfaction to cognitive flexibility was not significant in the initial model and was therefore removed. This finding was inconsistent with [Salahi et al. \(2022\)](#). One possible explanation is that persistent marital conflicts may be associated with psychological stress and reduced flexible information processing. Consistent with [Kofta and Sedek \(1999\)](#), prolonged exposure to uncontrollable situations may be associated with cognitive fatigue and difficulties in flexible processing. Thus, cognitive flexibility may not represent a significant pathway linking marital dissatisfaction to attitudes toward divorce among women experiencing persistent marital difficulties.

Several Limitations should be considered. The sample was limited to women seeking divorce in Sabzevar, and convenience sampling restricts generalizability. Reliance on self-report measures may also have increased the influence of subjective perceptions. Moreover, the correlational and cross-sectional design and inadequate fit of the final structural model warrant caution in drawing causal conclusions.

Future studies should use longitudinal or, where appropriate, experimental designs and more representative samples. Multiple assessment methods, such as semi-structured interviews and behavioral measures, may strengthen the assessment of these constructs and external validity. Practically, self-coherence may be relevant to psychological interventions for women experiencing marital difficulties; however, the present findings do not establish that increasing self-coherence would reduce marital dissatisfaction or alter attitudes toward divorce.

Keywords: Marital Dissatisfaction, Attitudes Toward Divorce, Sense of Coherence, Cognitive Flexibility, Women Seeking Divorce

Ethical Considerations

This study was conducted independently and without funding from any organization or institution. This study was approved by the Ethics Committee of Hakim Sabzevari University with the ethics code IR.HSU.REC.1403.006. It should be noted that all ethical principles related to research were observed in this [article](#).

Acknowledgements

The authors sincerely thank all participants for their valuable cooperation in this study. In this article, no financial support has been received from governmental, public, commercial, or non-profit organizations.

Conflict of Interest

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the conduct of this research.

In Press/ Accepted